



انترناسیونال

۲۲۱

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۶ آذر ۱۳۸۶، ۷ دسامبر ۲۰۰۷

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سرمدبیر: محسن ابراهیمی

پیام حمید تقوایی به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو "آزادی، برابری، هویت انسانی" طنین پر صلابت فریاد اعتراض جامعه است!

دانشجویان آزاده! جنش دانشجویی در صف مقدم و طلایه دار انقلابی است که در دل حوادث جاری در حال شکل گیری است. حکومت اسلامی وحشیانه تر از همیشه میگیرد و میزند و میبندد اما قادر به خاموش کردن اعتراضات ردم نیست.

امروز در مقابل مردم خطر جنگ را علم کرده اند. تهدید حمله نظامی را بر بالای سر جامعه قرار داده اند تا مبارزات مردم را به بهانه جنگ به عقب برانند؛ تا با صفحه ۱۰



ستون اول

محسن ابراهیمی



گوشه ای از اعتراض دانشجویان دانشگاه تهران در ۱۳ آذر

۱۳ آذر با پرچم سرخ به استقبال ۱۶ آذر رفت!

دستگاه سرکوب اسلامی به گل نشسته است!

۱۳ آذر با شعارهای ضد اختناق و استبداد به استقبال ۱۶ آذر رفت. ۱۳ آذر یک تو دهنی محکم به حکومت اسلامی و تمام تشیبات سرکوبگرانه اش بود. ۱۳ آذر بار دیگر نشان داد که بال سرکوب حکومت اسلامی در هم شکسته است. از یک هفته پیش، زنجیر نیروهای امنیتی اسلامی را باز کرده و به سراغ دانشجویان فعال فرستادند و موج دستگیری دانشجویان چپ را راه انداختند با این خیال باطل که ۱۶ آذر را بی دغدغه از سر بگذرانند. این نگرش، دانشجویان توانستند در روز ۱۳ آذر، مرز سرکوبگران اسلامی را بشکنند و اعتراض کنند. توانستند دانشگاه تهران را به صحنه اعتراض باشکوه علیه جانین حاکم اسلامی تبدیل کنند. چشم در چشم ماشه بدستان اسلامی فریاد زدند: حکومت نمیخوایم پلیس مزدور نمی خواهیم! عزم مردم برای ادامه مبارزه با حکومت اسلامی را طنین افکندند: دانشجو می میرد ذلت نمی پذیرد. پارسال دانشجویان عکس احمدی نژاد را در مقابل چشمان حیرت زده اش به آتش کشیدند و امسال در ۱۳ آذر فریاد زدند: مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر استبداد. ۱۳

صفحه ۲

خواست آزادی زندانیان سیاسی، یک اولویت برای آزادی دانشجویان دستگیر شده با تمام قوا تلاش کنیم



شهبلا دانشفر

روز ۱۲ آذر رژیم اسلامی در هراس از فرارسیدن شانزده آذر، روزی که سنتا به روز اعتراض علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده است، به دانشجویانی که در تدارک برگزاری مراسم شانزده آذر بودند و اعلام کرده بودند که این روز را در سه شنبه ۱۳ آذر برگزار خواهند کرد بیورش برد و نزدیک به ۱۴ نفر را دستگیر کرد. اما این بیورش نه تنها دانشجویان را به عقب نراند، بلکه در همه جا زمزمه اینکه قرار

روز ۱۲ آذر رژیم اسلامی در هراس از فرارسیدن شانزده آذر، روزی که سنتا به روز اعتراض علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده است، به دانشجویانی که در تدارک برگزاری مراسم شانزده آذر بودند و اعلام کرده بودند که این روز را در سه شنبه ۱۳ آذر برگزار خواهند کرد بیورش برد و نزدیک به ۱۴ نفر را دستگیر کرد. اما این بیورش نه تنها دانشجویان را به عقب نراند، بلکه در همه جا زمزمه اینکه قرار

صفحه ۳

در صفحات دیگر

- صفحات ۳ و ۴ و ۵ و ۶
- صفحه ۵
- صفحه ۶
- صفحه ۸
- صفحه ۱۰
- صفحه ۱۱
- صفحه ۱۴

- تظاهرات دانشجویان در ۱۳ آذر
- گرامیداشت شانزدهمین سالگرد حزب کمونیست کارگری در ونکور
- دیدار جلیل جلیلی با مسئول خاورمیانه ای سازمان عفو بین الملل
- پیام حمید تقوایی به مردم آزادیخواه جهان
- بشریت با کمونیسم آزاد میشود
- گفتگو با حسن صالحی
- در حاشیه چند رویداد

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

گزارش برگزاری مراسم جشن سالگرد حزب کمونیست کارگری ایران در جنوب خوزستان

با سلامهای گرم و صمیمانه

این جشن به دعوت یکی از فعالین کارگری در جنوب خوزستان و با شرکت تعدادی از فعالین کارگری و خانواده هایشان در روز ۱۲/۹/۸۶

برگزار شد. این مراسم با صرف شام شروع و پس از آن با بحثهای مختلفی مانند شرایط جنگی بوجود آمده و وظیفه کمونیستها و شیوه برخورد به جنگ و همچنین تاثیر تلویزیون در ارتقا سیاسی جامعه و همینطور تاثیر

تلویزیون بر فضای جامعه و افکار عمومی ادامه یافت. شرکت کنندگان در يك فضای انسانی، همدلی و شادی خاصی را احساس میکردند. از طرف یکی از شرکت کنندگان سوالاتی مطرح شد. سوالات بیشتر در

رابطه با تاثیر حزب، بویژه تاثیر تلویزیون بر فضای عمومی جامعه و بویژه بر فعالین کارگری دور میزد. نظر شرکت کنندگان روی واقعیت انکار ناپذیر تاثیر حزب در جامعه متمرکز بود و اینکه برای

پیشروی باید از ابزار تلویزیون حزب در جهت بردن حزب به اعماق جامعه و تاثیر گذاری بر رهبران عملی تاکید شود. همچنین بر ضرورت کمک به تلویزیون برای بهتر شدن برنامه ها بحث شد. *

ستون اول

از صفحه ۱

آذر، بار دیگر نشان داد دستگاه سرکوب اسلامی مدتهاست مستاصل شده است و کشتی ارباب اسلامی مدتهاست بگل نشسته است.

جنبش سرنگونی طلبانه به پیش میرود!

۱۳ آذر با شعارهای سرنگونی طلبانه به استقبال ۱۶ آذر رفت. ۱۳ آذر يك دهن کجی آشکار به بازماندگان مفلوک دوم خرداد و همه فرقه های اپوزیسیون طرفدار رژیم بود که به نام مقابله با خطر جنگ، صلح با حکومت اسلامی را جار میزنند. به نام مقابله با جنگ "کمیته انتخابات آزاد" و در حقیقت ستاد انتخاباتی برای رفسنجانی راه انداخته بودند و شرکت در نمایش انتخاباتی رژیم را تبلیغ میکنند. در حالیکه صف در هم ریخته دوم خرداد شکست خورده که يك سرش در مافیای رفسنجانی است و سر دیگرش در بیت شیرین عبادی، جنازه دوم خرداد را بار دیگر بیرون کشیده بودند و میخواستند این بار به نام مقابله با جنگ و به نام صلح و دموکراسی و حقوق بشر، يك حکومت اسلامی رنگ کرده را به مردم بفروشند، دانشجویان شعار دادند: "آزادی، مساوات، تحریم انتخابات". در حالیکه به نام صلح، میخواستند پدرخوانده مافیای اسلامی را آزادیخواه و حقوق بشری جلوه دهند، دانشجویان رفسنجانی را در کنار احمدی نژاد قرار دادند و فریاد زدند: "احمدی، هاشمی پینوشه، ایران شیلی نمیشه!" دانشجویان به هیچ جناحی از دارو و دسته حاکم توهم ندارند. دانشجویان سرنگونی طلبند و خواهان برچیده شدن بساط همه این دار و دسته هستند. دانشجویان عزم سرنگونی

طلبانه مردم را با صدای بلند اعلام کردند: "برپاخیز از جا کن بنای کاخ دشمن". ۱۳ آذر امسال نشان داد که جنبش سرنگونی طلبانه مردم قصد باز ایستادن ندارد.

سوسیالیسم به پا میخیزد!

وقتی حزب کمونیست کارگری شعار "سوسیالیسم به پا خیز برای رفع تبعیض" را از میان اعتراضات مردم ایران بیرون کشید و در مقابل چشم مردم جهان گرفت، این فقط جریانات راست در اپوزیسیون نبودند که هراسان شدند. در میان اپوزیسیون چپ، از جمله منشعبین از خود حزب ما، که آیه یاس خواندن و تبلیغ دست بالا داشتن راست در صحنه سیاسی ایران به شغل روزمره شان تبدیل شده است به ما ایراد گرفتند که نه خیر از این خیرها نیست و راست دست بالا دارد و گویا پای ما در زمین نیست و داریم به خاطر آمال و آرزوهای سوسیالیستی و انسانی مان خودمان را فریب میدهم.

۱۳ آذر با پرچمهای سرخ آزادی و برابری به استقبال ۱۶ آذر رفت و در عمل، در پراتیک سیاسی جامعه نشان داد که این یاس و ناامیدی ربطی به واقعیات سیاسی ایران ندارد. پرچمهای سرخ آزادی و برابری در این روز نشانه قدرتمندی از عروج چپ و سوسیالیسم در جامعه ایران است. اصلا جمهوری اسلامی با پیش بینی تحرك سوسیالیسم و برای فلج کردن تحرك سوسیالیستی بود که با موجی از دستگیری دانشجویان چپ و سوسیالیست به استقبال ۱۶ آذر رفت. اما دانشجویان با موجی از پرچمهای سرخ و شعارهای سرخ و رادیکال به سراغ جمهوری اسلامی رفتند. موج

دستگیری فعالین چپ در چند روز گذشته فقط برای ارباب نبود؛ فقط برای نگاه داشتن دانشجویان در خانه هاشان و جلوگیری از هر گونه اعتراض نبود. علاوه بر همه اینها، برای جلوگیری از رنگ چپ و سوسیالیستی گرفتن این اعتراض بود. برای جلوگیری از کاپوس چپ و سوسیالیسم بود که کل طبقه حاکم و همه نیروهای سیاسی پاسدارش چه در حکومت و چه در اپوزیسیون را نگران کرده است.

جمهوری اسلامی سرمایه و همراه با آن طیف راست در اپوزیسیون از حضور و تحرك سوسیالیسم در دانشگاه هراسان شده اند. شاخکهای این مرتجعین بدرستی خطر را حس کرده اند. دیروز از شیخ لنین در دانشگاه خبر داده بودند و امروز با چشمان ناباورشان می بینند این دیگر شیخ نیست. این خود جنبش سوسیالیستی و آرمانهای لنین است که علنا در مقابل تیر و تفنگ حکومت از یکطرف و نفرت اپوزیسیون راست و ناامیدی بخشهایی از سازمانهای چپ از طرف دیگر تظاهرات میکند و علنا فریاد آزادی و برابری سر میدهد.

اعتراض ۱۳ آذر علنا رنگ سرخ سوسیالیستی به خود گرفت. این بیانیه های فرقه های مختلف تحکیم وحدت نبود که از بلندگوها پخش میشد. این بیانیه دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب بود که خوانده میشد! این دیگر پرچمها و شعارهای اهالی خانواده جنبش ملی-اسلامی نبود که بالا میرفت و طنین می افکند. این شعار آزادی و برابری بود که به اهتزاز در می آمد. (به اطلاعیه های سازمان جوانان کمونیست و

عکسهای تظاهرات ۱۳ آذر در همین شماره توجه کنید.)

پرچمهای سرخ آزادی و برابری در ۱۳ آذر، نقطه ای سرخ از خط سرخی است که اعتراضات سالهای گذشته دانشجویان و کارگران و جوانان و زنان را به هم وصل کرده است. ادامه شعارها و مطالبات و سرودهای انسانی است که مدتهاست سر برآورده است. ادامه شعار "آزادی، برابری هويت انسانی" دانشجویان اصفهان سه هفته پیش است. ادامه شعار "یا سوسیالیسم یا بربریت" در در سالهای قبل است. ادامه شعار "يك زمین يك نژاد، آنهم نژاد انسانی" است. این غول از شیشه در آمده است و جمهوری اسلامی سرمایه نمیتواند به آسانی به شیشه بازگرداند. این شعارها بازتاب آمال و آرزوهای انسانی اکثریت مردم ایران است.

۱۳ آذر امسال (که به جای ۱۶ آذر برگزار شد)، نشانه روشنی از تضعیف گرایشات سازشکارانه و راست، گرایشات ملی اسلامی، گرایشات "چپ" مایوس و سازشکار در میان دانشجویان بود. نشانه روشنی از و تاکید مجدد بر پیشروی جنبش سرنگونی طلبانه چپ و سوسیالیستی بود. تاکید مجدد بر قدرت گیری گرایشات چپ و سوسیالیستی در میان دانشجویان و جامعه بود. این پاسخ محکمی بود به تمام نیروهایی که از این خسته میشوند بگویند که راست دست بالا دارد و چپ و سوسیالیسم مرده است. پاسخ محکمی به همه آنهايي بود که پروژه های سازشکارانه شان با سرمایه داری ایران را به نام ضعف چپ پیش میبرند. ۱۳ آذر برگ تازه ای از دفتر تاریخ سیاسی ایران بود: چپ و رادیکالیسم سوسیالیستی در دانشگاهها از میان رگه های مختلف متعلق به اپوزیسیون سازشکار راه گشوده است، این

گرایشات را عقب رانده است و دارد بسرعت بر فضای سیاسی جامعه ایران مسلط میشود.

دانشجوی زندانی آزاد باید گردد. این یک اولویت است!

حکومت اسلامی، زخمی از تحرك چپ و سوسیالیستی دانشجویان، هراسان از رشد رادیکالیسم در میان اعتراضات دانشجویی و جامعه، در انتقام از شکست مفتضحانه اش برای خانه نشین کردن دانشجویان، با آرزوی پیشگیری اعتراضات گسترده تر و رادیکالتر به دستگیری گسترده دانشجویان چپ دست زده است. از همین امروز، بدون فوت وقت باید آزادی بیقید و شرط این دانشجویان را در اولویت قرار داد. (به مقاله شهلا دانشفر در همین شماره توجه کنید) باید توجه همه نیروهای معترض، همه انسانهای آزادیخواه و شریف، چه در ایران و چه در جهان را به این امر مهم، به این مبارزه برحق و انسانی، به مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی علی العموم و مبارزه برای آزادی دانشجویان دستگیر شده جلب کرد. باید کاری کرد جمهوری اسلامی آرزوی ارباب مردم را به گور ببرد. باید به رژیم اسلامی شریفهم کنیم که هر دستگیری نه تنها حتی يك روز هم به عمرشان اضافه نمیکند بلکه خشتی دیگر از عمارت پوشالی و رو به ویران این جنایتکاران را فرو میریزد. باید با مبارزه گسترده و جهانی کاری کرد حتی يك نفر از دستگیرشدگان در زندانهای جمهوری اسلامی نمانند. این ممکن است. این را قبلا نشان داده ایم. قبلا بارها توانسته ایم دختران و پسران و زنان و مردان را از پای چوبه دار و جوخه اعدام و گودال سنگسار اسلامی نجات دهیم. قبلا توانسته ایم و این بار هم خواهیم توانست. *

مردم از دانشجویان حمایت کنید!

دانشجویان اعلام کردند که مقابل بازداشتها و احضارها می ایستند و فردا ۱۳ آذر تجمع اعتراضی ۱۶ آذر را قدرتمندانه برپا میکنند! دانشجویان دستگیر شده فوراً و بدون قید و شرط باید آزاد شوند!

است و ما همینجا از همه مردم آزاد دعوت میکنیم تا فعالانه به حمایت از دانشجویان برخیزند. بویژه ما مردم تهران را فرامیخوانیم که فردا سه شنبه ساعت ۱۲ ظهر در برابر دانشگاه تهران اجتماع و از ۱۶ آذر سرخ حمایت کنند و به دستگیری های اخیر اعتراض کنند. دانشجویان دستگیر شده باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند و تا آزادی آنها هر روز و همه جا ۱۶ آذر است!

مرگ بر جمهوری اسلامی گسترده باد اعتراضات سراسری دانشجویی زندانی سیاسی آزاد باید گردد زنده باد جمهوری سوسیالیستی سازمان جوانان کمونیست

دوشنبه ۱۲ آذر ۸۶ - ۴ دسامبر ۲۰۰۷

اسلامی اعتراض کنند. میخواهند اعلام کنند که دانشگاه و دانشجویان آزادبخواه، رادیکال و برابری طلب خیال کوتاه آمدن ندارند. آنها میخواهند با يك حرکت اعتراضی وسیع و رادیکال بساط بگیر و ببند ارادل و اوباش اسلامی را در دانشگاه پایان دهند.

تا همینجا با جوش و خروش بی سابقه ای که در اغلب دانشگاه های کشور برای برپایی ۱۶ آذر روبرو بودیم، با پوستر ها و بیانیه های چپ و رادیکال و بالا رفتن شعارهای آزادی و برابری و سوسیالیسم که شاهد آن بودیم، با وحشت و هراسی که همین تدارک در جان رژیم اسلامی انداخته است، ۱۶ آذر يك گام بزرگ به جلو برداشته است. اکنون ۱۶ آذر بیش از پیش مورد توجه مردم قرار گرفته

امروز در دانشگاه نیز نیروهای حراست با شکستن قفل کمد های دانشجویان از جمله بهزاد باقری اقدام به تفتیش گسترده ی وسایل دانشجویان نمودند.

با وجود تمام این سرکوب ها دانشجویان بر تصمیم خود برای برگزاری مراسم شانزده آذر در روز سه شنبه ۱۳ آذر ماه تاکید دارند. روز دوم دستگیریها و موج سرکوب جمهوری اسلامی نه تنها دانشجویان و فضای دانشگاه را مرعوب نکرده، نه تنها از عزم و سازماندهی دانشجویان برای اعتراض علیه رژیم وحشت، ترور، آپارتاید جنسی و استعمار کم نکرده بلکه دانشجویان را برای برپایی این آکسیونها در دانشگاه های شهرهای مختلف مصمم تر کرده است. دانشجویان میخواهند که همه جانبه و سراسری علیه جمهوری

نصرآبادی و تعدادی دیگر از دانشجویان به مراکز اطلاعات احضار شده اند. در تماس با غالب دانشجویان به آنان تاکید شده است که اگر تا ساعت ۱۳ روزدوشنبه خود را به وزارت اطلاعات معرفی نکنند بازداشت خواهند شد. همچنین منازل کلیه بازداشت شدگان نیز امروز مورد تفتیش مأموران اطلاعات قرار گرفته و وسایل شخصی ایشان، از جمله کتاب ها، دست نوشته ها و کامپیوترهایشان توقیف گشته است. نیروهای امنیتی، فضای دانشگاه تهران و همچنین خوابگاه های پسران و دختران را وارد شرایطی همچون حکومت نظامی کرده اند. به گونه ای که شب گذشته حراست دانشگاه با حمله به اتاق های دانشجویان از جمله علی عجمی اقدام به تفتیش وسایل آنان نمودند. همچنین

طبق آخرین اخبار منتشر شده ۱۱ تن از فعالان دانشجویی چپ در تهران و ۱۲ دانشجوی چپ در مازندران هم اکنون در بازداشت به سر می برند و تعدادی دیگر نیز به مراکز امنیتی و اطلاعاتی احضار شده اند.

انوشه آزادفر، الناز جمشیدی، احسان آزادفر، مهدی گریلو، نادرا حسنی و سعید حبیبی در یکشنبه ۱۱ آذر و بهروز کریمی زاده، کیوان امیری الیاسی در روز ۱۲ آذر دستگیر شده اند. همچنین در مازندران آرش پاکزاد، حسن معارفی، حامد محمدی، بهرنگ زندی و میلاد معینی و تعدادی دیگر از دانشجویان دستگیر شده اند. در ادامه این روند بازداشتها یاسر پیر حیاتی، بهزاد موسوی و محمد یوسف رشیدی، صکرا، محسن غمین، بابک پاشا جاوید، موسوی و پریسا

از صفحه ۱ خواست آزادی زندانیان...

شد. بدین ترتیب در ۱۳ آذر علیرغم این دستگیریها، علیرغم فضای پلیسی ای که رژیم در دانشگاهها حاکم کرده بود و علیرغم استقرار نیروی انتظامی در مقابل دانشگاه تهران و در دانشگاههای مختلف، در تهران بیش از هزار دانشجو با شعارهای آزادی برابری، جنگ نه دانشگاه پادگان نیست، مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر استبداد، احمدی پینوشه ایران شیلی نمیشه، دانشجوی زندانی آزاد باید گردد، رهایی زن رهایی جامعه است، بار دیگریک شانزده آذر قدرتمند و سرخ را به نمایش گذاشتند. برگزاری ۱۳ آذر يك موفقیت مهم و يك قدرتمانی بزرگ در برابر سیاست سرکوب رژیم بود.

در این حرکت اعتراضی دانشجویان خواهان آزادی فوری دستگیر شدگان شدند، همبستگی خود را با جنبش کارگری و جنبش آزادی زن اعلام داشتند، خواهان آزادی کارگران زندانی محمود صالحی، منصور اسانلو و دیگر کارگران در بند شدند. در این حرکت اعتراضی دانشجویان بار دیگر نشان دادند که تلاشهای رژیم برای ارباب جامعه راه به جایی نمیرد و بر عزم خود برای پیشبرد

همه این دستگیری ها و برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی باشیم. باید با تجمعاتمان و با اعتراضاتمان این مبارزه را هر چه متحد تر و قدرتمند تر به پیش ببریم. باید با پیامهای همبستگی به دانشجویان و با پیوستن به تجمعات اعتراضی آنها از اعتراضات دانشجویان وسیعاً حمایت کرد. باید با حمایت از مبارزات و خواستهای کارگران نیشکر هفت تپه خواهان آزادی فوری فریدون نیکوفر شد. و باید با يك اعتراض فشرده و متحد و با همبستگی از مبارزات بخش های مختلف جامعه در مقابل تهاجم رژیم ایستاد و با مبارزه ای متحد و قدرتمند برای آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی خیز برداشت. زندانی سیاسی آزاد باید گردد امروز بیش از هر وقت شعار و فریاد کل جامعه است. باید این فریاد را راسخ کرد.*

برای آزادی زندانیان سیاسی به يك عرصه مهم مبارزه در میان دانشجویان، کارگران، معلمان و فعالین جنبش آزادی زن و بخش های مختلف جامعه تبدیل شده است و بطور واقعی خواست آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی، امروز بیش از هر وقت پیوستگی مبارزات و خواستهای سراسری بخش های مختلف جامعه به هم را بیان میکند. باید وسیعاً به این مبارزه و به این خواست پیوست. برای آزادی دانشجویان دستگیرشده، برای آزادی محمود صالحی، ابراهیم مددی، منصور اسانلو و فریدون نیکوفر یکی از کارگران نیشکر هفت تپه که دو روز پیش به زندان دزفول منتقل گردید و نیز برای لغو احکام زندان برای معلمان و کارگران و دیگر دانشجویان و انسانهای آزادیخواه و بازگشودن درب زندانها، باید يك مبارزه متحد و سراسری را به پیش برد. باید هم اکنون با توجه به دستگیری هایی که در دانشگاهها صورت گرفته است، از بخش های مختلف جامعه در قبال این بازداشتها عکس العمل فوری نشان داده شود. باید هم اکنون ما شاهد نامه های اعتراضی نسبت به

آپارتاید جنسی نه، یعنی برداشتن چماق سرکوب از روی سر جامعه برای ساختن دنیایی آزاد و برابر. و اینها همه آن خواستهای سراسری است که مبارزات کل جامعه را به هم پیوند میدهد. این ها همه خواستهای جامعه ایست که برای تحقق آنها در التهاب مبارزه میسوزد و مدتهاست که با مبارزات هر روزه خود حکم به رفتن این رژیم داده است. و این همان جامعه ای که در مناسبت های مختلف شعارهای آزادی برابری، یا سوسیالیسم یا بربریت را فریاد میزند. در برابر رشد چنین جنبش اعتراضی است که رژیم همواره با دستگیری و ارباب و به محاکمه کشیدن بخش های مختلف معترض جامعه و با چماق زندان و شکنجه تلاش دارد مبارزات موجود را به عقب براند.

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در واقع سنگر بندی جامعه در برابر تهاجمات رژیم است. مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و مبارزه برای آزادی دستگیر شدگان در هر حرکت و اعتراضی، يك حلقه کلیدی در متحد نگاهداشتن صف مبارزه است. از همین رو هم اکنون مبارزه

**یک دنیای بهتر
برنامه حزب
را بخوانید
و در سطح وسیع
توزیع کنید**

تا آزادی همه دانشجویان زندانی همه روز ۱۳ آذر است!



دانشجویان! همزمان!

تظاهرات پرشکوه و سرخ ۱۳ آذر نشان داد که تلاش های مذبحوحانه رژیم اسلامی برای متوقف کردن اعتراض دانشجویان و جنبش چپ و سوسیالیستی در دانشگاه راه به جایی نمی برد. نمایش پرقدرت شما که اکنون آوازه آن در سراسر جهان پیچیده است جواب محکمی به رژیم اسلامی و گام مهمی در پیشروی جنبش انقلابی سرنگونی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی بود. شعار آزادی و برابری که شما باردیگر در ۱۳ آذر بر افراشتید و فریاد مرگ بر دیکتاتور و دانشجوی زندانی آزاد باید گردد و شعارهای دیگر که در جلوی دانشگاه تهران و در بسیاری رسانه های بین المللی طنین افکند در عین حال پاسخ محکمی بود به همه آنها که آیه یاس میخوانند و جنبش انقلابی و عروج سوسیالیسم و آزادیخواهی کارگری در ایران را دستکم میگیرند. ۱۳ آذر فصل جدیدی در پیشروی چپ و سوسیالیسم در دانشگاه میگذشاید و

بر کل فضای سیاسی ایران تاثیرات گسترده ای خواهد داشت. اما تظاهرات ۱۳ آذر تازه شروع یک دوره است. دوره ای که چپ در دانشگاه باید بتواند بطور سراسری متشکل شود و توده وسیع دانشجویان را به میدان آورد. و عاجلترین قدم در این راه این است که برای آزادی دستگیر شدگان روزهای اخیر و همه زندانیان سیاسی مبارزه را ادامه دهیم. باید بطور سراسری و در همه دانشگاه های کشور برای آزادی فوری دستگیر شدگان اخیر مبارزه را ادامه دهیم. باید اعلام کنیم که تا آزادی همه دستگیر شدگان هر روز ۱۳ آذر خواهد بود!

بنا بر اخباری که ویلاگ آوای دانشگاه اعلام کرده تاکنون ۳۰ تن از دانشجویان دانشگاه های مختلف در بازداشت به سر می برند. جدیدترین لیست اسامی دانشجویان بازداشت شده از این قرار است: ۱- میلاد معینی (دانشگاه مازندران)، ۲- بهرنگ زندی (دانشگاه مازندران)، ۳- حامد محمدی (دانشگاه مازندران) ۴- آرش پاکزاد

مهرزاد، ۲۵- هادی سالاری، ۲۶- فرشید فرهادی آهنگران، ۲۷- امیر آقایی، ۲۸- میلاد عمرانی، ۲۹- سروش یا سیروس؟؟؟ (از بچه های اهواز). همچنین به گزارش ویلاگ آزادی و برابری تعدادی دیگر از سرنوشت تعداد دیگری از دانشجویان اطلاعی در دست نیست. اسامی این دانشجویان به شرح زیر می باشد: کاوه عباسیان، پیمان پیران، بیژن صباغ، امین قضایی، مهدی بهرنگ و.....

این همکلاسی ها و همزمان ها و همه کارگران و فعالین سیاسی در بند باید فوراً آزاد شوند. اکنون این فوری ترین وظیفه ای است که در مقابل همه دانشجویان کشور و بویژه دانشجویان چپ قرار میگیرد. و در

سازمان جوانان کمونیست
۱۳ آذر ۸۶، ۴ دسامبر ۲۰۰۷

اعلام پایان مراسم پلاکاردها را بیرون انداخته و از حاضرین خواسته شد با هم به سمت درها حرکت کرده و در گروههای چهار پنج نفری از دانشگاه خارج شوند. در این میان نیروهای امنیتی به شناسایی گردانندگان و سخنرانان و فیلمبرداری از جمع اکتفا کرده بودند. بعد از خروج دانشجویان گروه هایی که احتمال دستگیریشان می رفت در دانشگاه باقی ماندند تا وضعیت مساعد شود و در تاریکی از دانشگاه خارج شوند که چندین ساعت به طول می انجامید و مجبور بودند برای یافتن جایی امن مدام مکان خود را تغییر دهند. در این میان حدود پنج شش نفر از فعالین نیز به هنگام خروج از درها و داخل دانشگاه دستگیر و به دفتر حراست انتقال داده شده اند.

تجمع خارج از دانشگاه هم جمعی از دانشجویان، کارگران، معلمان، جوانان و برخی از هنرمندان بودند که میخواستند به تجمع دانشجویان بپیوندند و از آنان حمایت کنند. اما بدلیل ممانعت ماموران رژیم در بیرون از دانشگاه مانده بودند.

سازمان جوانان کمونیست
۱۳ آذر ۸۶، ۴ دسامبر ۲۰۰۷

دانشجوی زندانی آزاد باید گردد"، "مرگ بر استبداد"، "شرکت در انتخابات خیانت خیانت"، "رییس بی لیاقت استفا استفا"، "آزادی مساوات تحریم انتخابات" و... را سر میدادند. نیروهای حراست درب اصلی را بسته بودند و مقابل آن اتوبوس و نیروهای پلیس ایستاده بودند که مانع ارتباط مردم تجمع کننده در خیابان با دانشجویان درون دانشگاه بشوند. چند نفر از دانشجویان از نرده ها بالا رفته و پلاکاردهای خود را بالا گرفتند. در این هنگام دوباره صدای شعارها بالا گرفت و این بار شعارهایی با مضمون پایان گرفتن عمر جمهوری اسلامی و شعارهایی همچون "حکومت زور نمیخوایم پلیس مزدور نمیخوایم"، "پلیس به این بی غیرتی هرگز ندیده ملتی"، "ای مردم با غیرت حمایت حمایت"، "احمدی/هاشمی پینوشه ایران شیلی نمیشه"، "می کشم می کشم آنکه برادرم کشت" و... که در نهایت صدای ترکیدن یک ماده محترقه در میان جمع پیچید که دانشجویان شروع به تمسخر و هو کردن نیروهای پلیس کردند. سپس با

گزارش تکمیلی از تظاهرات ۱۳ آذر در دانشگاه تهران مرگ بر دیکتاتور! دانشجوی زندانی آزاد باید گردد!

مهران رحمانی، خبرنگار سازمان جوانان کمونیست

تجمع امروز دانشگاه تهران شاهد شمره ی همبستگی دانشجویان و فعالین چپ بود. همانطور که فراخوان داده شده بود مقابل دانشکده فنی تهران ساعت ۱۲ همه در انتظار برگزاری مراسم ۱۶ آذر و اعتراضات دانشجویی بودند که با دستگیری های اخیر نیز شدت گرفته است. نیروهای امنیتی و لباس شخصی نیز در همه جای دانشگاه حضور داشتند و نزدیک ساعت ۱۲ امکان ورود به دانشگاه وجود نداشت به همین دلیل عده ای نتوانستند در مراسم شرکت کنند. تا اینکه گروه کثیری از دانشجویان و فعالین با پلاکاردهای سرخ که شعارهای چپ، رادیکال و سوسیالیستی روی آنها به چشم می خورد به سمت دانشکده فنی آمده و

حلقه ای بزرگ از جمعیت تشکیل شد. ابتدا بیانیه طلب خوانده شد و بعد از طرف دانشجویان پلی تکنیک، از طرف دانشجویان تعلیقی صحبت شد. بیژن صباغ یکی از فعالین دانشجویی مازندران که خود را تحت فشارهای امنیتی از مازندران به تهران رسانده بود و بسیاری دیگر با صحبت های اعتراض آمیز خود به بیان اقدامات سرکوبگرانه علیه جنبش های کارگری، زنان، دانشجویان و بازداشتها و بیان مواضع آزادیخواهانه در مورد جامعه و جنگ ... و لزوم حمایت از آنها پرداختند و سرکوب کنندگان و نیروهای امنیتی و پلیسی حاضر در جمع را مورد تهدید و اعتراض قرار دادند که با شعار مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر استبداد، دانشجو می میرد

پیام به دانشجویان و مردم آزادیخواه!



کیان آذر

طلبانه جامعه ایران که حتی روی چوبه دار هم لبخند پیروزی میزند، توانستیم این قدم را رو به جلو برداریم. این توان جنبش ماست.

باید از الان برای آزادی همه دستگیر شدگان بجنگیم. باید با اعتراضات خود زمینه رهایی دانشجویان زندانی، کارگران در بند، معلمان در تبعید و اخراجی و زنان مورد تهاجم قرار گرفته را از چنگال این رژیم آدمکش، فراهم کنیم. وضعیت این عزیزان در چنگال جمهوری اسلامی بسته به اقدام و البته اعتراضات سازمانیافته و سراسری و جهانی ما دارد. این کلید ما برای برون رفت از این وضعیت، هم در عرصه ایران و هم در برابر همپالکیهای جمهوری اسلامی در دیگر کشورها، همه دولتهایی که انسانیت، آزادی و زندگی آدمها را نشانه گرفته اند است.

باید متشکل شویم و با تشکل خود سازماندهی اعتراضات دنباله دار، سراسری و رادیکال را در دستور کار خود بگذاریم. این ضروری ترین کاری است که باید روبروی خود قرار دهیم.

بار دیگر زنده باد همه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب زنده باد جنبش انقلابی و سوسیالیستی

با گرمترین و صمیمانه ترین آرزوها برای تک تک شما امروز روز ما بود، هر روز باید روز ما باشد.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد آزادی و برابری زندانی سیاسی آزاد باید گردد گسترده باد اعتراضات دانشجویی زنده باد جمهوری سوسیالیستی سازمان جوانان کمونیست سه شنبه ۱۳ آذر ۸۶، ۱۴ دسامبر ۲۰۰۷

زنده باد انقلاب، زنده باد سوسیالیسم
زنده باد دانشجویان، کارگران، زنان و جوانانی که امروز در دانشگاه اطراف دانشگاه به تجمع اعتراضی ۱۳ آذر آمدند. زنده باد همه کسانی که امروز به جمهوری اسلامی فهماندند که رفتنی است. به او نشان دادند که نه از توپ و تانکش، نه از سرکوب و بازداشت و شکنجه اش واهمه ای ندارند.

این جنبش مهر سرنگونی رژیم اسلامی را زده است. رژیم خیال میکند اگر چهره های چپ را دستگیر کند، فضای ارباب درست کند میتواند جلوی اعتراضات سوسیالیستی دانشجویان را بگیرد. به خیالش چپ یعنی صرفاً چهره های شناخته شده اش. اما جنبش سوسیالیستی و بدنه دانشجویی آن امروز قدرت و توان خود را نشان داد.

همه کارگران، معلمان، زنان، جوانان و هنرمندانی که پشت درهای دانشگاه تجمع کرده و خواهان پیوستن به دانشجویان بودند و بیانیه های دانشجویان را بین خودشان پخش میکردند، امروز ترس و لرزه را به اندام رژیم انداختند.

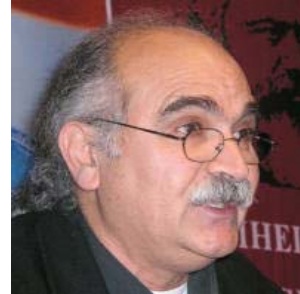
راست در دانشگاه، بهت زده اخبار تجمع ما را دنبال میکرد. این جنبش سر کوتاه آمدن ندارد و تا پایان راه را میخواهد طی کند.

دوستان زیادی امروز و در دو روز گذشته دستگیر شدند. هم در تهران و هم در شهرهای دیگر. افراد زیادی مجبور به تغییر محل سکونتشان شدند و همچنین افراد بیشتری برای برگزاری این تجمع متحمل فشار زیادی شدند. اتفاقاتی که امروز در دانشگاه افتاد تاثیرات بسیار گسترده تری از محدوده دانشگاه دارد. تحت تاثیر و در نتیجه بسیاری از مسائل جامعه است که توانسته ایم این گام بزرگ را برداریم. ما بردوش مبارزات کارگران، معلمان و زنان، با اتکا بر مبارزات سرنگونی

حمایت از اعتراضات دانشجویان خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط دانشجویان و همه زندانیان سیاسی است و همه انسانهای آزادیخواه را به حمایت از دانشجویان و اعتراض به جمهوری اسلامی دعوت می کند.

گرامیداشت شانزدهمین سالگرد حزب کمونیست کارگری در ونکور

تحولات سیاسی ایران و حزب کمونیست کارگری سخنران: حمید تقوایی



زمان: یکشنبه، ۹ دسامبر ۲۰۰۷
ساعت ۳:۰۰: ۴ بعد از ظهر

مکان: تروث لیک کامیونیتی سنتر،

۳۳۵۰ خیابان ویکتوریا

ورودی رایگان و غذا و نوشیدنی

برای فروش موجود است

تشکیلات خارج حزب کمونیست کارگری ایران - غرب کانادا
برای اطلاعات بیشتر لطفا با شماره ۶۰۴۷۲۷۸۹۸۶ تماس بگیرید.

۱۳ آذر روز اعتراض دانشجویان در دانشگاه های مختلف ایران

دانشجویان دانشگاه اصفهان از ساعت ۱۲ امروز با در دست داشتن پلاکاردهایی که شعارهایی نظیر "حکم اعدام عدنان حسن پور باطل باید گردد"، "دانشجوی سیاسی آزاد باید گردد"، "رئیس انتصابی! استعفا استعفا" در این دانشگاه تظاهرات کردند. دانشجویان در روز گذشته نیز

در تظاهراتی هزار و پانصد نفری خواستار شکسته شدن فضای بسته سیاسی این دانشگاه شده بودند و به محمد حسین رامشت رئیس دانشگاه اصفهان اعلام کردند که این فضای بسته هر چه زودتر باید شکسته شود. آنها اعلام کردند در صورتی که مسئولان دانشگاه اصفهان به خواسته های آنها توجه نکنند، از هفته آینده تجمعات خود را به صورت گسترده تری انجام خواهند داد.

همزمان با اعتراضات دانشجویی و برپایی مراسم روز دانشجو در دانشگاه تهران، طبق اخباری که در اطلاعیه دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب مازندران آمده، مراسم روز دانشجو امروز حدود ساعت ۱۱/۳۰ ظهر در دانشکده فنی نوشیروانی بابل برگزار شد. این در حالی است که چند تن از فعالان چپ این دانشگاه از طرف نیروهای امنیتی و اطلاعاتی تحت تعقیب هستند و امکان ظاهر شدن نداشته اند! مراسم حدود ۲ ساعت به طول انجامید و جمعیتی بالغ بر دویست نفر در آن شرکت کردند!

به همین مناسبت نیز جمعی از دانشجویان دانشگاه اصفهان تظاهراتی دو ساعته در اعتراض به آنچه "حقوق سیاسی" می نامیدند، انجام دادند. بیش از ۱۰۰ نفر از

دانشجویان دانشگاه بوعلی همدان نیز امروز ۱۳ آذر همزمان با دانشگاه های تهران و بابل در اعتراض به بازداشت دانشجویان و جو حفقان ایجاد شده در دانشگاه ها تجمع اعتراضی برپا کردند.

امروز سه شنبه ۱۳ آذر در دانشگاه های مختلف شاهد برپایی تجمعات اعتراضی نسبت به شرایط موجود در دانشگاه و جامعه بوده ایم. باید اعتراضات را وسیعتر کرد و خواهان آزادی بی قید و شرط و فوری دستگیرشدگان شویم. باید برای پایان دادن به این وضعیت اعتراضات وسیع و سراسری را در دستور کار خود گذاشت.

سازمان جوانان کمونیست ضمن

دیدار جلیل جلیلی با مسئول خاورمیانه ای سازمان عفو بین الملل

"رهایی زن رهایی جامعه است"، دانشگاه پادگان نیست" نظر دایک را به خود جلب کرد،

در این دیدار جلیل جلیلی مجموعه گزارشات از اعتراضات دانشجویان در دانشگاه تهران به همراه عکس و فیلم را به همراه داشت که در اختیار این سازمان قرار داد. جلیل جلیلی بر شرایط حساس اعتراضات مردم در ایران و ضرورت یک همبستگی جهانی با مبارزات مردم تاکید کرد و خواهان اقدامی اضطراری از سوی عفو بین الملل در محکومیت دستگیری ها اخیر گردید.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

۵ دسامبر ۲۰۰۷

اهواز) ۳۰ - عابد توانچه همچنین بنا به گزارشها از سرنوشت تعداد دیگری از دانشجویان از جمله کاوه عباسیان، پیمان پیران، بیژن صباغ، امین قضایی و مهدی بهرننگ درست نیست.

در این دیدار همچنین از دستگیری و فشار بر روی کارگران صحبت شد. و گزارش دستگیری فریدون نیکوفر یکی از نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه که دوشنبه ۱۲ آذر (۳ دسامبر) به زندان دزفول منتقل شده است، گزارش شد.

مسئول خاورمیانه ای عفو بین الملل قول داد که اسامی بازداشت شدگان را در سایت آن سازمان منتشر کند، عکسهایی از تظاهرات دانشجویان تهران با پرچمهای قرمز و باشعاریهایی چون "آزادی، برابری"،

شریف)، ۱۳- نسیم سلطان بیگی (دانشکده ارتباطات، علامه)، ۱۴- علی سالم (کارشناسی ارشد پلیمر- پلی تکنیک)، ۱۵- محسن غمین (دانشگاه پلی تکنیک)، ۱۶- روزبه صف شکن (دانشگاه تهران)، ۱۷- روزبهان امیری (علوم کامپیوتر، تهران) ۱۸- یاسر پیر حیات (دانشگاه شاهد)، ۱۹- مهسا محبی، ۲۰- اوختای حسینی (دانشگاه آزاد)، ۲۱- سعید آقام علی خلیلی (دانشگاه علامه)، ۲۲- بهزاد باقری (دانشگاه تهران)، ۲۳- علی کلائی، ۲۴- امیر مهزاد، ۲۵- هادی سالاری، ۲۶- فرشید فرهادی آهنگران، ۲۷- امیر آقایی، ۲۸- میلاد عمرانی، ۲۹- سروش یسا سیروس؟؟؟.....؟؟؟ (از بچه های

دستگیر شده که خبر آن تا کنون منتشر شده، را شامل میشد که عبارت بودند از:

۱- میلاد معینی (دانشگاه مازندران)، ۲- بهرننگ زندی (دانشگاه مازندران)، ۳- حامد محمدی (دانشگاه مازندران) ۴- آرش پاکزاد (دانشگاه مازندران)، ۵- حسن معارفی (دانشگاه مازندران)، ۶- انوشه آزادفر (دانشگاه تهران)، ۷- ایلناز جمشیدی (ارتباطات، آزاد تهران مرکز)، ۸- مهدی گرایلو (ژئو فیزیک، تهران)، ۹- نادرا حسنی (دانشگاه مازندران)، ۱۰- سعید حبیبی (عضو سابق شورائی مرکزی ادوار تحکیم وحدت)، ۱۱- بهروز کریمی زاده (دانشگاه تهران)، ۱۲- کیوان امیری الیاسی (کارشناسی ارشد صنایع، دانشگاه صنعتی

روز چهارشنبه پنجم دسامبر، برابر با چهاردهم آذر، جلیل جلیلی به نمایندگی از طرف کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی با آقای دایک، مسئول خاورمیانه ای سازمان عفو بین الملل در لندن ملاقات کرد و با ارائه اسنادی در مورد دستگیریهایی اخیر در ایران از این سازمان خواست که اقدامات گسترده ترا را علیه جمهوری اسلامی به جریان اندازد. در این دیدار، جلیل جلیلی ضمن گزارش مختصری از اوضاع سیاسی ایران اطلاعیه کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را همراه با لیستی از اسامی بازداشت شدگان فعالان دانشجویی در روزهای اخیر را به آقای دایک تحویل داد. این لیست اسامی ۳۰ نفر از دانشجویان

به دستگیری دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب در ایران اعتراض کنید به سازمان عفو بین الملل و تمامی سازمانهای آزادیخواه در سراسر جهان



اعتراضی به جمهوری اسلامی و اعلام فراخوان در حمایت از زندانیان سیاسی تعرضات سرکوبگرانه رژیم اسلامی به اعتراضات مردم در ایران را محکوم کنند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

۱۱ آذر ۸۶- ۲ دسامبر ۲۰۰۷

احسان منصوری و مجید توکلی و کارگران زندانی محمود صالحی، ابراهیم مددی و منصور اسانلو و تمامی زندانیان سیاسی است.

ما از همه سازمانهای انساندوست و آزادیخواه در سراسر جهان انتظار داریم که به هر طریقی که میتوانید، با ارسال نامه های

که با عکس العمل سریع خود در اعتراض به این دستگیری ها به رژیم اسلامی فشار بیاورند که فوراً و بدون قید و شرط آنان را از زندان آزاد کنند. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی خواهان آزادی فوری این دستگیر شدگان و نیز دیگر دانشجویان زندانی احمد قصابان،

دانشجویی به قرار زیر است: انوشه آزادفر، مهدی گرایلو، الناز جمشیدی، احسان آزادفر، نادرا حسنی، سعید حبیبی

همچنین نیروهای امنیتی رژیم اسلامی در اطراف دانشگاه تهران در کمین تعدادی دیگر از دانشجویان هستند تا آنها را دستگیر کنند. در خبری که به دست ما رسیده است بهروز کریمی زاده، پیمان پیران، بیژن صباغ، بهزاد باقری از جمله این دانشجویان هستند که در داخل دانشگاه تهران گیر افتاده و با توجه به نزدیک شدن شب امکان بازداشت آنها مدام بیشتر میشود. بنا به همین خبر دو نفر دیگر از فعالان چپ غیر دانشجویی نیز به وزارت اطلاعات احضار شده اند.

"کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی" از همه سازمانهای آزادیخواه در سراسر جهان میخواهد

طی خبری که به کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی رسیده است. امروز ۲ دسامبر ۲۰۰۷ (۱۱ آذر ۸۶) نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی با هجوم به منزل یکی از فعالان دانشجویی چپ در تهران تعدادی از دانشجویان را که در تدارک برگزاری سالگرد شانزده آذر (۷ دسامبر) بودند را دستگیر کرد. شانزده آذر روز دانشجو در ایران است که در این روز هر ساله نه تنها دانشجویان بلکه بخش های دیگر جامعه تجمعات اعتراضی برپا میکنند و خواستها و مطالبات خود را بیان میکنند. امسال دانشجویان طی اطلاعیه ای اعلام کرده بودند که مراسم این روز را در روز 13 آذر (۴ دسامبر) برگزار خواهند کرد.

اسامی تعدادی از دانشجویان دستگیر شده در تهاجم نیروهای امنیتی به منزل یکی از فعالین

سوسیالیسم بپا خیز!
برای رفع تبعیض

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

صد سال از اعلام هشت مارس گذشت! در یکصدمین سالگرد هشت مارس روز جهانی زن، متحدانه علیه بی حقوقی زنان در کشورهای اسلام زده



مینا احدی

خواسته‌های انسانی مان به میدان آمده ایم.

در ایران جنبش عظیم برابری طلبانه با رنگ سرخ و با شعارهای چپ در کارخانه و دانشگاه و در مدرسه و محله در جریان است و زنان در ابعاد میلیونی به حکومت اسلامی و قوانین پوسیده اسلامی نه گفته اند.

امسال باید ما فعالین و دست اندرکاران جنبش عظیم اجتماعی علیه زن ستیزی و انسان ستیزی اسلامی، متحدانه به میدان بیاییم و اعلام کنیم که نخواهیم گذاشت قوانین قرون وسطایی اسلامی ادامه پیدا کند. نخواهیم گذاشت بیش از این از ما قربانی بگیرند. در دنیا جنبش عظیم بین المللی در دفاع از حرمت انسانی به میدان آمده و نفرت عمیقی علیه این قوانین و این سنتها و علیه باندهای ترور اسلامی در حال شکل گیری است. هشت مارس امسال را به روز اعلام قدرت جنبش انسانی در ایران و در دنیا بر علیه اسلام سیاسی و بر علیه زن ستیزی اسلامی تبدیل خواهیم کرد. نه به آپارتاید جنسی، نه به حجاب اسلامی سرلوحه شعارهای ما در هشت مارس امسال است. *

مینا احدی سخنگوی علیه تبعیض "سازمان دفاع از حقوق زن"

۶ دسامبر ۲۰۰۷

"نه" گفت!

جنبش اسلامی و اسلام سیاسی اکنون يك پدیده بین المللی است. سایه شوم این جنبش امروز در همه جا و در کشورهای اروپایی نیز مشهود است. حجاب و مسجد ساختن، قتل ناموسی و تحمیل بی حقوقی به زنان مهاجر و پناهنده ساکن غرب، امری روزمره شده است. یکصد سال بعد از هشت مارس اما باید اذعان کرد که این جنبش سیاسی با قوانین و سنتهای ارتجاعی آن، مورد نفرت بین المللی است.

در کشورهای اسلام زده، زنان و مردان بسیاری علیه این قوانین و این عقب ماندگی مطلق مبارزه میکنند. يك نبرد دائمی و روزمره در ایران و عراق و افغانستان و سودان و در همه جا، در مدرسه و خانواده، در محیط کار و فعالیت و در خیابان بر علیه این زن ستیزی در جریان است.

هشت مارس امسال روز جهانی زن، روز اعلام يك نبرد گسترده و قدرتمند بین المللی علیه بی حقوقی زنان در کشورهای اسلام زده است. دوران نسبیّت فرهنگی و توجیه بی حقوقی زنان با استناد به تفاوت فرهنگها سپری شده است. دوران توجیه زن ستیزی با استناد به مذهب و یا راسیسم وارونه گذشته است. امسال گوشها برای شنیدن حرفهای ما باز است.

متحدانه و در همه جا در یکصدمین سالگرد هشت مارس اعلام خواهیم کرد حجاب اسلامی نمیخواهیم، تبعیض جنسی و بساط آپارتاید جنسی را جمع خواهیم کرد. ما انسانیم و برای تحمیل همه

است.

زنان در ایران و در هر جایی که سر و کله باندهای ترور اسلامی پیدا میشود، داخل زندانهای متحرکی به اسم "حجاب اسلامی" به بند کشیده میشوند و تا لحظه مرگ و آرمدن در "کفن"، باید بسوزند و بسازند و نه فقط این، بلکه باید با روی گشاده و لیخنند، بهترین شرایط را برای سواستفاده کامل از خود و همه زنان فراهم کنند. در یکصدمین سال هشت مارس، این موقعیت را باید یکبار دیگر در مقابل چشم جهانیان گرفت. باید اعلام کرد که این مذهب، این قانون و این فرهنگ متعلق به قرون وسطی است و باید بساط اش را جمع کند!

اسلام با هر رنگ و بویی و با هر لعابی که به آن بزنند، ضد انسان و ضد تمدن و فرهنگ انسانی است و جای این مذهب همانند همه مذاهب دیگر در گذشته‌ها است و نه آینده! صد سال پس از اعلام هشت مارس روز جهانی زن، روزانه و سالیانه هزاران زن قربانی رسمی ترور باندهای اسلامی و یا فرهنگ و سنتهای اسلامی میشوند. روزانه و سالیانه میلیونها زن با استناد به قران و خدا و پیغمبر ضد زنش، از شادی و آزادی، از رقص و خوشی، از سکس و لذت و از احساس انسان بودن و زندگی کردن محروم میشوند. این روندی است که در کشورهای اسلام زده و در هر جایی که اسلام و باندهای تروریست اسلامی در آنجا حضور دارند، در جریان است و هشت مارس امسال روزی است که باید به این پدیده در کلیت آن

دستور داده است، از جسم و روح زنان سواستفاده کامل کرده و با دیدن کوچکترین علامت از عدم تمکین زنان، تا حد مرگ آنها را شکنجه کرده و نابودشان کنند.

دستور قران به زنان تمکین مطلق و فدا کردن خود در پیشگاه مردان و تن دادن به هر نوع سواستفاده جنسی و جسمی است. این مذهب قرون وسطایی و ضد زن و ضد انسان، یکصد سال بعد از هشت مارس در برخی از کشورهای هنوز حاکم مطلق است و سیستم حقوقی و قانونی در مورد زنان را تعیین و با خشونت تمام اجرا میکند.

اسلام سیاسی جنبش سیاه و ارتجاعی است که برای قدرت گرفتن و در قدرت ماندن از حمله به زنان شروع کرده و با حمله به میلیونها زن، قدرتی و یکه تازی میکند. اسلامی سیاسی جنبشی که بخشی از لیمپنیزم در جامعه بوده و تحقیر و توهین به زنان، به رسمیت نشناختن انسانیت زنان و زیر پا گذاشتن حقوق کامل زنان در همه عرصه‌ها و همه زوایای زندگی، مانیفست آن است.

اسلام سیاسی در ایران نزدیک سی سال است که میکشد و به پیش میرود. سنگسار و قتل های خیابانی، رسمیت دادن به قتل در خانواده‌ها با استناد به ناموس، و قانونی کردن کامل مردسالاری لجام گسیخته، تنها نوك کوه یخی است که جمهوری اسلامی ایران بر علیه زنان اعمال میکند.

قانون در ایران و همه کشورهای اسلام زده، بر مبنای به زنجیر کشیدن زنان و سرکوب کامل هر نوع اظهار وجود زنان به عنوان انسان

صد سال از اعلام روز جهانی زن گذشت. بعد از صدسال که از روز جهانی زن میگذرد هنوز موقعیت زنان در همه جا کماکان موقعیت انسانهای فرودست و تحت ستم است. زنان قربانیان سیستم ناعادلانه سرمایه و استثمار، قربانیان مردسالاری و قربانیان اسلامیهها و مذاهب و شوینیسیم رسمیت یافته‌ای هستند که در همه کشورها و در کره خاکی حاکم است. اما موقعیت زنان در کشورهای اسلام زده و یا هر جایی که باندهای وحشت و ترور اسلامی حضور داشته و یا حاکم هستند، غیر قابل توصیف و غیر قابل مقایسه با موارد دیگر این ستمگری است.

کدام کلمه در فرهنگ لغات موجود میتواند بیانگر موقعیتی باشد که زنان در ایران و افغانستان و عربستان سعودی و در سودان و همه کشورهای اسلام زده و محیطهای اسلام زده با آن دست و پنجه نرم میکنند؟ کدام کلمه و فرهنگ لغتی میتواند بیانگر موقعیت زنانی باشد که در زندانهای اوین و گوهردشت و زندانهای تبریز و شیراز در ایران، در انتظار مرگ و یا قتل توسط سنگسار هستند؟ کدام کلمه میتواند نشاندهنده موقعیت زندگی و تاثیرات عمیق جراحات و دردهای زندگی بر روح و روان لیلا صافی، کبرا نجار و شهلا جاهد و کبرا رحمانپور باشد؟ کدام کلمه، کدام جمله و کدام مرهم؟

مذهب اسلام زنان را در ردیف مجرمین، مجانین و حیوانات قرار داده و له کردن روح و روان آنها را امر الهی میداند.

الله موجود وحشتناکی است که به مردان مسلمان و مجریان امر خدا

کارگران ایران خودرو دستگیریهای اخیر دانشجویان را محکوم می کنند

پیگرد دانشجویان و فعالین کارگری و اجتماعی، خواهان آزادی فوری و بدون قیدو شرط آنان هستیم.

زنده باد دانشگاه،

زنده باد دانشجویان آزاده و مبارز جمعی از کارگران ایران خودرو

داشت روز دانشجو، این روز بزرگ که نشانه مقاومت و سمبل آزادی دانشجویان در دفاع از حقوق ما کارگران میباشد را به دانشجویان عزیز تبریک می گوئیم.

ما ضمن محکوم کردن هر گونه تعلیق، اخراج، دستگیری و

روز مبارزه برای آزادی میباشد. برای همین نیروهای امنیتی جهت جلوگیری از گرامی داشت این روز بزرگ اقدام به دستگیری گسترده دانشجویان دانشگاههای کشور کرده اند. ما کارگران ایران خودرو ضمن گرامی

مبارزه برای آزادی به دانشگاهها حمله کرده و دهها نفر از دانشجویان را دستگیر کرده است.

دوستان کارگر، روز دانشجو روزمبارزه علیه زور و ستم، روز مبارزه علیه بی عدالتیها و روز مبارزه علیه خفقان، علیه سرکوب و

دانشگاه یادگان نیست
دانشگاه سنگر آزادی است

دوستان و همکاران گرامی ۱۶ آذر روز دانشجو می باشد. در آستانه فراسیدن روز دانشجو دولت "عدالت پرور" به جای تکریم در مقابل دانشجویان این پیشگامان

سیزدهمین کنفرانس کشوری تشکیلات سوئد حزب کمونیست کارگری ایران برگزار شد!



حزب در سوئد پرداختند، انتقادات و پیشنهادات خود را ارائه کردند و راهکارهای تازه ای را برای دور آتی فعالیت عنوان نمودند،

در بخش بعدی، پلاتفرم پیشنهادی که از جانب حسن صالحی به کنفرانس ارائه داده شده بود مورد بحث و بررسی قرار گرفت، بحث در مورد پلاتفرم که رئوس فعالیت های حزب در سوئد را برای دوره آتی مشخص می کرد، بعلت ضیق وقت تا تمام ماند و تصویب این سند به کمیته آتی سوئد محول گردید، تداوم مبارزه قاطع با سیاست مماشات و سازش دولت سوئد با جمهوری اسلامی، اعتراض بر علیه فعالیت و حضور نیروهای جمهوری اسلامی در سوئد، نمایندگی کردن خط و افق سوسیالیستی در جدال میان تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی، افزایش بی امان آن دسته از نیروهایی که تلاش می کنند تحت عنوان خطر جنگ، جمهوری اسلامی را از زیر ضرب مبارزه مردم خارج کنند شکل دادن به یک قطب چپ و رادیکال نیرومند در مبارزه بر علیه اسلام سیاسی و در دفاع از سکولاریسم و حقوق جهانشمول انسان، مبارزه با سیاست ضد پناهندگی دولت سوئد و تلاش برای گرفتن حق پناهندگی پناهندگان ایرانی، معرفی بیشتر

اعضای کمیته سوئد، موضوعات دستور جلسه بود، از سوی دبیر یک گزارش کتبی از فعالیت حزب در سوئد در فاصله دو کنفرانس ۱۲ و ۱۳ به مجمع اعضا ارائه داده شده بود،

فعالیت های حزب در کشور سوئد متنوع و گسترده است، از عرصه مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی گرفته تا دفاع از حق پناهندگی، از مبارزه بر علیه جنگ گرفته تا دفاع از کارگران و مبارزات مردم ایران، از مبارزه بر علیه اسلام سیاسی گرفته تا دفاع از آزادی بیان و حقوق دختران در محیط های مردسالار و اسلامزده، از مبارزه بر علیه اعدام گرفته تا دفاع جانانه از حقوق کودکان، از تامین نیازهای مالی حزب گرفته تا سرویس دادن به بخش های ستادی و مرکزی حزب جنبه هایی از این فعالیت هستند، این فعالیتها در اشکال متنوعی صورت گرفته است، برگزاری تظاهرات و آکسیون، برپایی غرفه اطلاعاتی در میدانی شهرها و در نمایشگاههای کتاب، برگزاری جلسات سخنرانی و سمینار، برنامه ای رادیویی و غیره، بخش اعظم کنفرانس به این گزارش و بحث و تبادل نظر حول آن اختصاص یافت، شرکت کنندگان در کنفرانس از زوایای گوناگونی به فعالیت های

سیزدهمین کنفرانس کشوری تشکیلات سوئد حزب روز ۱ دسامبر ۲۰۰۷ با شرکت اعضا و کادرهای حزب در شهر استکهلم برگزار شد، در این کنفرانس خلیل کیوان، دبیر تشکیلات خارج کشور حزب، و اصغر کریمی، رئیس هیئت دبیران حزب نیز شرکت داشتند، کنفرانس با پخش سرود انترناسیونال و اعلام یک دقیقه سکوت و ادای احترام به یاد جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم و منصور حکمت عزیز کار خود را آغاز کرد، کنفرانس با سخنرانی افتتاحیه حسن صالحی، دبیر تشکیلات سوئد حزب، ادامه یافت، در این سخنرانی حسن صالحی ضمن مرور فشرده فعالیت های حزب در سوئد بر این تاکید کرد که رمز موفقیت حزب در همه جا و در سوئد نیز قبل از هر چیز نوع کمونیسمی است که حزب نمایندگی می کند، کمونیسمی که محورش انسان و رهایی او است، سخنران بعدی خلیل کیوان، دبیر تشکیلات خارج کشور حزب بود که به تحلیل شرایط کنونی، خطر جنگ و تشدید مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی پرداخت، پس از سخنرانی ها، کنفرانس وارد دستور اصلی کار خود شد، بررسی فعالیت دوره گذشته، نقشه عمل دوره آتی فعالیت و انتخاب

اسدی، غلام اکبری، کریم شاه محمدی، پیا اطیابی و سیامک بهاری، کمیته منتخب کنفرانس در اولین نشست خود حسن صالحی و کاوش مهران را به ترتیب بعنوان دبیر و خزانه دار کمیته انتخاب کرد،

خاطر نشان کنیم که شب همان روز مراسم شانزدهمین سالگرد حزب نیز در استکهلم برگزار شد که طی آن رفیق اصغر کریمی سخنرانی کرد،

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- سوئد

۴ دسامبر ۲۰۰۷

حزب و ادبیات کمونیسم کارگری از طریق ترجمه و انتشار کتاب و جزوات به زبان سوئدی و راه اندازی سایت های اینترنتی، عضوگیری وسیع، تقویت فعالیت های مالی حزب از جمله مواردی بودند که رفقای سخنرانان در این مبحث بدان پرداختند،

در بخش انتخابات، کنفرانس ۱۵ نفر را بعنوان اعضای جدید کمیته سوئد حزب انتخاب کرد که اسامی آنها بدین قرار است:

حسن صالحی، آذر پویا، منوچهر ماسوری، سیما یهاری، افسانه وحدت، جمیل فرزاد، فریده آرمان، سوسن صابری، بهروز مهربادی، کاوش مهران، عبدالله

پیام حمید تقوایی به مردم آزادیخواه جهان:

در مقابل خطر حمله نظامی به ایران از مبارزات مردم ایران حمایت کنید!

انسانی و وحشیانه دولت آمریکا در کنار و همراه شما هستند، و از شما می خواهند که در مبارزه علیه جمهوری اسلامی حامی و همراه آنان باشید! برای به عقب راندن و به شکست کشاندن سیاستهای میلیتاریستی و قلدر منشانه دولت آمریکا وهم پیمانانش، برای به شکست کشاندن جنبش ارتجاعی و تروریستی اسلام سیاسی و برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی از مبارزات مردم ایران حمایت کنید.

حمید تقوایی

دبیر کمیته مرکزی

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ نوامبر ۲۰۰۷

وسطانی نظیر سنگسار و شلاق و قطع اندامهای بدن انسانها خود را سر پا نگاهداشته است. جمهوری اسلامی باید در سطح جهانی طرد و منزوی شود. باید جهان با این حکومت آپارتاید جنسی همان طور رفتار کند که با حکومت آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی کرد. از دولتها و نهادهای بین المللی بخواهید که جمهوری اسلامی را بعنوان دولت ایران برسمیت نشناسند و کلیه روابط دیپلماتیک خود را با این حکومت قرون وسطانی قطع کنند.

مردم آزاده دنیا!

مردم ایران در مبارزه علیه سیاستهای جنگ طلبانه، ضد

مردم آزادیخواه جهان!

برای پایان دادن به تهدید حمله نظامی آمریکا از مبارزات مردم ایران حمایت کنید. سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت و اراده مردم ایران تنها راه حل انسانی و متدنهانه ختم تهدیدات جنگی، و پایان بخشیدن به مسابقه جنایت و تخریبی است که تروریسم اسلامی و میلیتاریسم و تروریسم دولتی آمریکا در ایران و خاورمیانه و در سراسر دنیا به راه انداخته اند. جمهوری اسلامی مردم ایران را نمایندگی نمیکند. این حکومت قاتل مردم است و نه نماینده آنان! این حکومتی است که با اعدام ده ها هزار نفر و اعمال شنیع ترین شکنجه ها و مجازاتهای قرون

ایست که شعار "آزادی، برابری، هويت انسانی" بر پرچم مبارزاتش نقش بسته است، جامعه ایست که روز جهانی کودک را در اجتماعات چندین هزار نفره در ده ها شهر جشن میگیرد و در بیانیه دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان اعلام میکند "برای آزادی کودکان باید این جهان وارونه را تغییر داد". ایران جامعه ایست که کور یح اعدام از درون زندانها مردم جهان را به مبارزه برای لغو مجازات اعدام در همه کشورها فرا میخوانند. مردم ایران در اعتراضات و تظاهراتشان بارها اعلام کرده اند نه جنگ را می خواهند، نه پروژه هسته ای را و نه جمهوری اسلامی را.

خطر حمله نظامی آمریکا و فلاکت و مشقت ناشی از تحریمهای اقتصادی مردم ایران را تهدید میکند. جنگ آمریکا با جمهوری اسلامی، جنگ مردم نیست، خواستها و منافع مردم در این جنگ نمایندگی نمیشود. مردم ایران نه جمهوری اسلامی را می خواهند و نه حمله نظامی و تحریم اقتصادی را. مردم ایران مدتهاست علیه جمهوری اسلامی و وضعیت غیر قابل تحملی که این حکومت مافوق ارتجاعی به جامعه تحمیل کرده است مبارزه میکنند. ایران جامعه ایست که در تجمعات اعتراضی اش سرود انترناسیونال میخواند و شعار "یک کره زمین یک انسان" و "یک نژاد آنها نژاد انسانی" را فریاد میزند. ایران جامعه

ممنوعیت حجاب در مدارس کنفرانسی مهم در آلمان با حضور گونتر والرالف، رالف جردانو و مینا احدی



Saeed Kalhor

در این بخش مباحثات زنده و جالبی در جریان بود و سپس حاضرین به اظهار نظر پرداختند. در مجموع فضای جلسه خیلی انتقادی بود و تعداد زیادی از حاضرین در مورد سازمانهای اسلامی خطر اسلام و اسلام سیاسی و راههای مقابله با این روند و نقد سیاستهای دولت آلمان حرف زدند.

این کنفرانس و گزارش آن تا امروز در اشیپگل اونلاین و اشتون اونلاین، روزنامه کولتر روند شاورو، رادیو کلن، رادیو مولتی کولتی و شبکه خبری اومانیهستهای آلمان و چندین رسانه دیگر منعکس شده است.

برگزاری این کنفرانس برای سازمان اکس مسلم یک موفقیت بزرگ بود. ما برای ممنوعیت قطعی حجاب در مدارس خواهیم کوشید و برگزاری این جلسه تنها یک آغاز در این راه بود. جلسه روز ۱ دسامبر در عین حال برنامه آمادگی برای برگزاری کنفرانس بزرگی است به اسم "کنفرانس انتقاد از اسلام" که قرار است در سال ۲۰۰۸ از سوی سازمان اکس مسلم و نشریه هیئتتر گروند و سازمان جردانو برونو و آتیستهای آلمانی برگزار شود.

شورای مرکزی سازمان اکس مسلم
۲ دسامبر ۲۰۰۷

گونتر والرالف در قسمت اول سخنرانی خود در مورد خواندن کتاب آیه های شیطانی در مسجد حرف زد و اینکه سازمانهای اسلامی در ابتدا با او رابطه داشته و حتی او را برای یک سخنرانی در مسجد دعوت کردند. او گفت حرفهای من در این سخنرانی در نقد مسیحیت کامل ترجمه شد و به اطلاع جمع رسید ولی در نقد اسلام همه حرفهای من سانسور شد و سپس در جمع حاضرین در مسجد در مورد فتوای قتل سلمان رشدی و قتل منتقدین اسلام نظر خواهی شد و اکثریت موافقت خود را با این موضوع اعلام کردند و همگی یکصدا خواهان قتل سلمان رشدی شدند. والرالف از آنها بعدا درخواست خواندن کتاب آیه های شیطانی در مسجد را میکند و با مخالفت آنها روبرو شده و سپس فتوای قتل دریافت میکند.

دور دوم گفتگوها ممنوعیت حجاب در مدارس

بخش دوم کنفرانس اختصاص به این خواست سازمان اکس مسلم داشت. حجاب کودکان و دانش آموزان و حجاب معلمان در مدارس آلمان باید رسماً ممنوع شود. این خواسته را مینا احدی با ذکر دلایل متعددی اعلام کرد. از جمله اینکه حجاب کودکان نقض حقوق انسانی کودکان است و اینکه حجاب سمبل بی حقوقی زنان و سمبل اسلام سیاسی است.

در این مبحث رالف جردانو و مینا احدی هم نظر بودند و والرالف از ممنوعیت کامل حجاب دفاع نمیکرد و اعلام کرد که برخی از دختران جوان به عنوان مخالفت با خانواده و سمبل هویت خودشان، حجاب دارند و نمیتوان به این دلیل حجاب را ممنوع اعلام کرد.

کنفرانس را مطرح و از مردم دعوت کردند در این جلسه حضور بهم رسانند. پوسترهای بزرگ دعوت به کنفرانس در شهر کلن وسیعاً پخش شد و رسانه ها در مورد اهداف این کنفرانس و خواست اصلی آن یعنی ممنوعیت حجاب در مدارس بسیار نوشتند و گفتند.

اسم کنفرانس: کنفرانس آگاهگری بجای پرده پوشی اسلام در آلمان، کنفرانسی در دفاع از ممنوعیت حجاب در مدارس آلمان

روز ۱ دسامبر دانشگاه کلن، سالن کنفرانس مملو از جمعیتی بود که برای شنیدن مباحث این سه سخنران معروف آمده بودند.

در بخش اول گفتگوها

میشاییل اشمیت سالمون سخنرانان را با توضیحاتی همراه با ویدیو کلیپ هایی از فعالیتهای این سه شخصیت به حضر معرفی کرد. به دنبال معرفی سخنرانان سالمون از مینا احدی در مورد سازمان اکس مسلم، اهداف آن و تاثیرات آن در آلمان سوال کرد. مینا احدی در رابطه با شکستن تابو توسط این سازمان، برای خروج از اسلام و در مورد اعتراض این نهاد به سازمانهای اسلامی و دولت آلمان و در مورد جهانشمولی حقوق انسانی و دفاع از حقوق انسانی و حقوق زنان و کودکان حرف زد.

سوالات سالمون از رالف جردانو متمرکز برسر مسئله ساختن مسجد در کلن و اعتراض او به این امر بود. جردانو از اسلام بعنوان مذهبی علیه زنان و مذهب ترور و وحشت اسم برد و گفت باید سیاست مماشات دولت آلمان با این جنبش ارتجاعی را نقد کرد و باید صریح و علنی در این مورد صحبت کرد.

با کارگران را افشا کرد. به دنبال این اقدامات تحسین بر انگیز مورد توجه بسیار زیادی در جامعه آلمان قرار گرفت. والرالف کسی است که سلمان رشدی را بعد از فتوای قتل او توسط خمینی، چند ماه در منزل خود در آلمان مخفی کرد. در سال ۲۰۰۷ با اعلام اینکه میخواهد آیه های شیطانی را در مسجد بخواند توجه زیادی را بخود جلب کرد. به همین دلیل فتوای قتل او از سوی سازمانهای اسلامی صادر شد.

مینا احدی با مبارزاتش علیه مجازات قرون وسطایی سنگسار و علیه مجازات اعدام در ایران و کشورهای اسلام زده، مورد توجه زیادی قرار گرفت و در کشورهای اروپایی رسانه های زیادی از او سخن گفته اند. مینا احدی با تاسیس شورای مرکزی اکس مسلم در آلمان و فعالیتهای گسترده بر علیه اسلام سیاسی و در دفاع از حقوق انسانی در آلمان و در سطح بین المللی مورد توجه زیادی قرار گرفته و فتوا و تهدیدات زیادی از سوی سازمانهای اسلامی دریافت کرده است.

سخنرانان این کنفرانس مهم، این سه نفر بودند. گرداننده بحث در این کنفرانس میکاییل اشمیت سالمون شخصیت معروف و فیلسوف آلمانی بود که با فعالیتهای و مباحثات منتقدانه علیه مذهب در آلمان شخصیتی بسیار معروف و شناخته شده است.

تدارکات قبل از کنفرانس

این کنفرانس با فعالیتهای شبانه روزی تعداد زیادی از فعالین حزب کمونیست کارگری ایران، سازمان جردانو برونو و اکس مسلم در آلمان سازمان یافت. چندین رسانه آلمانی خبر این

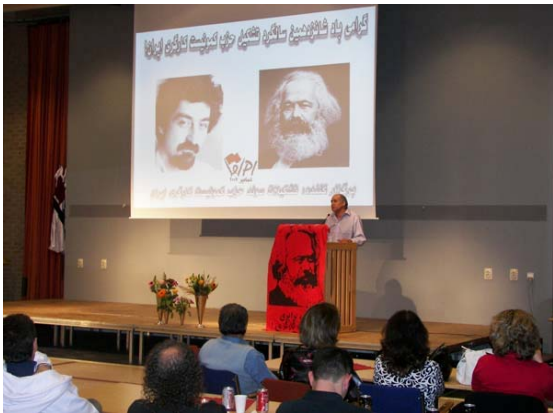
روز شنبه ۱ دسامبر، دانشگاه کلن، شاهد برگزاری یک کنفرانس مهم در دفاع از حقوق زنان و حقوق کودکان و بر علیه حجاب بود. بیش از ۳۰۰ نفر در این کنفرانس شرکت کردند. تعدادی از رسانه ها در این کنفرانس شرکت کرده و گزارش تهیه کردند. سخنرانان این کنفرانس شخصیت هایی بودند که در یکسال اخیر با اظهار نظرها و فعالیتهای خود بر علیه اسلام سیاسی و سازمانهای اسلامی، توجه عمومی را بخود جلب کرده اند. این سه نفر در عین حال هر سه از طرف سازمانهای اسلامی تهدید به مرگ شده اند.

رالف جردانو ۸۴ سال دارد و از بازماندگان هولوکاست در آلمان است. او در جوانی بارها از طرف گشتاپو دستگیر و مورد اذیت و آزار قرار گرفته بود. جردانو عضو حزب کمونیست آلمان بود که بعدها با قدرت گیری استالین و سرکوب مخالفان از این جریان جدا شد. جردانو نویسنده و منتقد اجتماعی در آلمان است که اخیراً با اعتراض و انتقاد شدید به اسلام و سازمانهای اسلامی در آلمان و مخالفت با ساختن یک مسجد بزرگ در کلن توجه ها را بخود جلب کرده است.

گونتر والرالف با کارهای زیر زمینی و با افشاگریهای تند و آشکار از موقعیت کارگران و از کار مطبوعات در آلمان و فعالیت هایی از این نوع معروف شده است. او که خود را مدتی به شکل یک کارگر ترك در آورد و مدتی هم با کارگران مهاجر ایرانی در ژاپن زندگی کرده است به دنبال این تجربیات و با فیلمبرداری مخفی دو فیلم مستند در مورد کارگران مهاجر ترکیه ای در آلمان و ایرانی در ژاپن ساخته است. در این فیلمها رفتار وحشیانه سرمایه داران

سوسیالیسم
پا خیز!
برای
رفع تبعیض

بشریت با کمونیسم آزاد میشود گزارشی از مراسم سالگرد حزب در استکهلم



نهضت آزادی، محافل مختلف ملی اسلامی و خیل گسترده ادبا و شعرا و نویسندگان و هنرمندان شرق زده و اسلامزده نیروهائی بودند که در مقطع سر کار آمدن حکومت در کنارش بودند و در دوره خاتمی نیز که سفره حکومت پهن تر شد دور آن نشستند. در این دوره نیز حزب کمونیست کارگری قاطعانه اعلام کرد که مردم این رژیم را نمیخواهند و از شکاف حکومت برای پیشروی خود استفاده میکنند. طولی نکشید که جنبش توده ای برای سرنگونی رژیم شروع شد و حزب که از ابتدا پرچم نه قاطع به این حکومت و دار و دسته های مختلف آنرا بلند کرده کرده بود بسرعت پوست ترکاند و نیرو گرفت و به اعماق جامعه رفت.

دوره دیگر همین دوره ای است که الان در آن قرار داریم. در شرایط کنونی نیز بخش قابل توجهی از اپوزیسیون، همه جریاناتی که در دوره های قبل کنار حکومت قرار داشتند و نیز بخشی از جنبش ناسیونالیستی پروغرب به بهانه خطر جنگ کنار رژیم قرار گرفته اند و بخش دیگری از این جنبش از جنگ حمایت میکنند. اینها همه تلاش میکنند تا صورت مساله مردمی را که با جنگ و دندان در مبارزه با رژیم اسلامی هستند منحرف کنند. چنان مساله جنگ و خطرات آنرا محوری و عمده میکنند تا عملا مردم را از تداوم مبارزه حول مطالبات رفاهی و برابری طلبانه و سوسیالیستی شان باز دارند. متاسفانه بخشی از جریانات چپ نیز عملا دارند نقش مشابهی ایفا میکنند. در این شرایط

میگرفت. درست هشت سال قبل از آن، در سال ۱۳۶۲، در کوران کمونیست کشی توسط جمهوری اسلامی، در شرایطی که از یکطرف پوپولیسم حاکم بر سازمانهای چپ آن دوره به بن بست رسیده بود و جمهوری اسلامی نیز حتی ساده ترین سمپات های جریانات کمونیستی را تیرباران میکرد و زیر شکنجه در هم میکوبید و از انقلاب آزادیخواهانه مردم انتقام میگرفت، حزب کمونیست ایران حول مباحث مارکسیسم انقلابی تشکیل شد. حزبی که در دوره خود نقشی تاریخی و بسیار ارزنده ایفا کرد و آرزوی دهها ساله کمونیست ها و کارگران پیشرو را متحقق کرد. در شرایطی بسیار سیاه، امید به پیشروی و غلبه بر شرایط آن دوره را احیا کرد و بسرعت به رشد کمونیسم در میان مردم بویژه در کردستان که محل حضور مستقیم و گسترده حزب کمونیست ایران بود دامن زد.

دوره مهم دیگر، مقطع سر کار آمدن خاتمی و عروج جنبش ملی اسلامی بود. دوره ای که بخش قابل توجهی از اپوزیسیون پشت سر حکومت اسلامی به صف شدند. همان ها که در مقطع سر کار آمدن جمهوری اسلامی از آن حمایت کردند و در کنار وزارت اطلاعات و سپاه شروع به لودادن کمونیستها و فعالین کارگری و مخالفین حکومت کردند، این بار هم همان ترکیب پشت سر حکومت بسیج شدند و به افشاکاری علیه حزب کمونیست کارگری برخاستند. جریاناتی مانند حزب توده و اکثریت، جبهه ملی و

در مراسمی که روز ۳۰ نوامبر (۹ آذرماه) به این مناسبت در شهر استکهلم برگزار شد اصغر کریمای رئیس هیئت دبیران حزب برای حاضرین سخنرانی کرد و در سخنرانی خود بطور فشرده با ذکر چهار دوره مهم در سطح بین المللی و در جامعه ایران، به حقانیت عمیق سیاسی و نظری حزب کمونیست کارگری و منصور حکمت اشاره کرد. یکی از این دوره ها سالهای آخر دهه هشتاد و اوایل دهه نود بود. یعنی دوره ای که حزب کمونیست کارگری تشکیل شد. این دوره اوج تبلیغات و هیاهوی ضدکمونیستی احزاب و رسانه ها و دولتتهای بورژوازی بود. دوره ای که مجسمه لنین را پائین میکشیدند و او را دیکتاتور معرفی میکردند و نه یکبار بلکه صدها بار به مردم نشان میدادند تا از نظر فکری مردم را مرعوب کنند تا به وضع موجود رضایت دهند. درست در گرماگرم این دوره منصور حکمت پرچم کمونیسم کارگری را قاطع تر از همیشه برافراشت، حزب کمونیست کارگری را بنیان گذاشت و در مقاله های مهمی مانند مارکسیسم و جهان امروز و تفاوتهای ما به بنیادهای فکری و سیاسی بورژوازی، لیبرالیسم و دمکراسی حمله کرد و اعلام کرد که دنیا بیش از هر زمان به این پرچم نیاز دارد. این اعتماد بنفس و شهامت و حق بجانبی بالائی میخواست و این از حقانیت عمیق کمونیسم کارگری و آزادیخواهی و انساندوستی عمیق این جنبش نشأت

سوسیالیستی عجب میشود، بشدت افزوده خواهد شد.

آنچه این دوره های مختلف را بهم پیوند میدهد و انسجام و پیوستگی سیاسی ما را در طول سه دهه نشان میدهد، ایده های مارکس و منصور حکمت و نوع معینی از کمونیسمی است که این حزب و این جریان نمایندگی میکند. کمونیسمی بشدت انسانی و آزادیخواهانه، کمونیسمی که رهائی واقعی انسان اساس و بنیان آنرا تشکیل میدهد. این کمونیسم، کمونیسم کارگری، تنها راه نجات بشریت است و من تردیدی ندارم که بدنای این هیاهوی جنگی، مردم هرچه بیشتری به حقانیت عمیق این حزب، به ضرورت و نقش حیاتی آن برای جامعه، برای طبقه کارگر، برای زنان و جوانان و همه مردم ستمدیده و محروم و برای انقلاب در دستور این کشور، پی خواهند برد و هرچه گسترده تر به زیر پرچم آن گرد خواهند آمد. *

نیز حزب کمونیست کارگری پرچم متفاوتی را در دفاع از جنبش سرنگونی طلبانه مردم، در دفاع از سوسیالیسم و کمونیسم بلند کرده است و طرحهای این جریانات را در میان مردم بی آبرو و بی اعتبار میکند. حزب در دل این شرایط نیز برای سرنگونی جمهوری اسلامی بعنوان مهمترین خطری که نه بالقوه، بلکه بالفعل ۲۹ سال است زندگی مردم را به تباهی کشانده است، تلاش میکند و مردم را به این مسیر فرامیخواند. چه جنگ بشود چه نشود جمهوری اسلامی باید سرنگون شود این خواست محوری مردم ایران است و حزب این پرچم را از همیشه بلندتر نگاه داشته است.

اصغر کریمی در پایان سخنرانی اش گفته: من تردیدی ندارم که این دوره نیز بر عبق نفوذ حزب در جامعه، به دلیل حقانیت مواضعش، بدلیل دفاع قاطعانه و روشنش از جنبش سرنگونی و مبارزات رویه رشد مردم که هرروز بیش از پیش با آرمانهای مردم به ستوه آمده در دهه عرصه و نبرد دیگر دمی فرو ننشسته و پیر تپش و بالنده به پیش رفته است. این نبرد همه جانبه باید بیش از پیش گسترش پیدا کند و با قدرت به پیش برده شود. جنبش دانشجویی در صف مقدم این حرکت و جنبش اعتراضی سوسیالیستی است. بگذار امسال نیز ۱۶ آذر بعنوان سنگر و پرچم پر صلابت سوسیالیسم در برابر بربریت قد علم کند و دانشگاهها بار دیگر و قدرتمند تر از همیشه انعکاس و تربیون فریاد کل جامعه برای تحقق آزادی و برابری و هویت انسانی باشد.

از صفحه ۱ پیام حمید تقوایی بمناسبت ۱۶ آذر...

برابری، هویت انسانی" که روز ۲۱ آبان در حرکت اعتراضی دانشجویان اصفهان در اعتراض به دستگیری دوستان دربندشان و برای آزادی زندانیان سیاسی سر داده شد، طنین پر صلابت این فریاد اعتراض جامعه است.

دانشجویان آزادیخواه!

شما در ۱۶ آذر سال گذشته پرچم سوسیالیسم را در برابر بربریت سرمایه برافراشتید. و جامعه هر روز و مدام در اعتراضات و مبارزات خود براین حقیقت شهادت میدهد

ترساندن مردم از سناریوی سیاه و تجزیه و عراقیزه شدن اوضاع آنان را به سازش و تمکین به وضع موجود بکشانند. از دوزخدادهای ورشکسته تا نیروهای چپ و راست سردرگم و مستاصل و بی افق تلاش میکنند که صورت مساله را از مبارزه علیه جمهوری اسلامی به مقابله با جنگ عوض کنند. جامعه را به مرگ جنگ گرفته اند که به تب وضع موجود رضایت بدهد. اما نتوانسته اند و نمیتوانند فریاد اعتراض مردم را خاموش کنند. شعار "آزادی،

به امید يك ۱۶ آذر سراسری، قدرتمند و سوسیالیستی!

حمید تقوایی

دبیر کمیته مرکزی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ آذر ۱۳۸۶، ۳ دسامبر ۲۰۰۷

اساس سوسیالیسم

انسان است. سوسیالیسم

جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.

گفتگو با حسن صالحی، دبیر تشکیلات سوئد - حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال: کنفرانس سالانه تشکیلات سوئد حزب هفته پیش برگزار شد. کنفرانس سالانه از لحاظ سیاسی و تشکیلاتی چه نقشی دارد؟

حسن صالحی: کنفرانس های سالانه تشکیلاتی کشورهای حزب در خارج کشور نقش مجمع عمومی اعضا را دارند. این مجامع عالی ترین نشست های حزب در هر کشور هستند که مشارکت اعضای حزب در بررسی فعالیتهای بین دو کنفرانس و همچنین تعیین سیاستهای دوره آتی را تامین می کند. کنفرانس سالانه اعضا فرصتی فراهم می آورد که اعضای حزب در هر کشور گرد هم آیند، در باره فعالیت های دور گذشته و چشم انداز فعالیت دور آتی همفکری کنند، تصمیم بگیرند و در رسیدن به اهدافی که پیش روی مافزار دارد همدلی و اتحاد بوجود آورند. کنفرانس ها همچنین کمیته های حزبی هر کشور را انتخاب می کنند و بدین ترتیب این اصل سازمانی حزب که "کمیته های حزبی در سلسله مراتب تشکیلاتی انتخابی هستند" را هم تامین می کنند. اما طبعاً آن شرایط سیاسی ای که کنفرانس در آن برگزار می شود، مهر خود را نیز بر کنفرانس می کوبد. کنفرانس ما در استکهلم برگزار شد ولی با آنچه که همین امروز در تهران، مازندران و اصفهان و خوزستان و مشهد و سنندج در صحنه دانشگاهها و مراکز تولیدی و کار می گذرد کاملاً مربوط بود.

انترناسیونال: مباحث این کنفرانس چه ها بودند؟

حسن صالحی: آنچه که با تصمیم خود کنفرانس در دستور کارش قرار گرفت بررسی گزارش فعالیت دوره گذشته، بحث پیرامون نقشه عمل دوره آتی فعالیت حزب در سوئد و همچنین انتخاب اعضای کمیته حزبی آینده بود. ولی نظر به اهمیت اوضاع سیاسی ای که کنفرانس در آن برگزار می شد یعنی بالاگرفتن تهدیدات جنگی، خللی کیوان- دبیر تشکیلات حزب در خارج کشور- سخنرانی مهمی داشت که خطوط اصلی وظایف تشکیلات خارج کشور حزب را در این اوضاع ترسیم می کرد. در بخش گزارش، من گزارش

نسبتاً مفصلی را به کنفرانس ارائه دادم که هم رئوس عمده ترین فعالیتهای ما در فاصله دو کنفرانس ۱۲ و ۱۳ را بر می شمرد و هم یک ارزیابی فشرده از نقاط ضعف و قوت ما و چالشهایی که در برابر ما قرار دارد را ارائه می داد. این مهمترین بخش کنفرانس بود و بخش زیادی را به خود اختصاص داد. اعضا در این مبحث شرکت فعال داشتند و از زوایای گوناگونی به فعالیت حزب در سوئد پرداختند و آن را مورد نقد و بررسی قرار دادند. به نظرم شرکت کنندگان مجموعاً نکاتی خوب و آموزنده ای را مطرح کردند که همین امروز و فردا باید توشه راه ما شود. در مورد نقشه عمل کار تشکیلات در دوره آتی من یک سند پیشنهادی به کنفرانس ارائه داده بودم که عرصه های مختلف فعالیت حزب در سوئد را تعیین می کرد. در این مبحث، شرکت کنندگان نکات تکمیلی داشتند که قرار شد به سند اضافه شود. منتها به دلیل ضیق وقت کنفرانس نتوانست این سند را تصویب کند و تصویب آنرا به کمیته منتخب کنفرانس موکول کرد. در بخش انتخابات هم کنفرانس تعداد اعضای کمیته آینده را ۱۵ نفر تعیین کرد و سپس ۲۴ نفر نامزد عضویت در کمیته شدند که از میان آنها ۱۵ نفر از طریق رای گیری مخفی انتخاب شدند..

انترناسیونال: اگر بخواهید یک تصویر کوتاه از فعالیت یک سال گذشته تشکیلات سوئد ارائه دهید چه نکاتی را برجسته میکنید؟

حسن صالحی: واقعیت این است که حزب در سوئد تشکیلات قوی و وسیع و با کادری توانا و از نظر اجتماعی موثر دارد و این تشکیلات فعالیت و کارهای زیادی را انجام می دهد. در اطلاعیه پایانی کنفرانس به عرصه هایی از این فعالیتها اشاراتی شده است. ولی اگر بخواهم به موارد مشخصی اشاره کنم، یکی باید به اعتراض بزرگی اشاره کنم که که علیه سفر متکی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی برپا شد.. حزب در سازماندهی این اعتراض توده ای نقش موثر و چشمگیری داشت. با اینکه نهادهای دعوت کننده متکی

چندین بار محل سخنرانی او را عوض کردند و به این وسیله خواستند که معترضین را گمراه کنند، ولی این جنایتکارها جا که پا گذاشت در همانجا اعتراض برپا شد و جمهوری اسلامی و سیاست مماشات جویانه دولت سوئد با این رژیم جنایتکار رسوا گردید. این اعتراض بازتاب گسترده ای در میبای سوئد داشت. اعتراض بزرگ دیگری که ما به اتفاق حزب کمونیست ایران در روز ۹ اوت، روز اقدام جهانی برای آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی، در استکهلم و همچنین در گوتنبرگ برگزار کردیم یکی دیگر از این نمونه هاست. برگزاری تظاهرات و دیگر اقدامات اعتراضی که در پاسخ به فراخوان زندانیان سیاسی و در اعتراض به موج اعدامها در ایران صورت گرفت یکی جنبه دیگر از فعالیت ما بود. کلاً در زمینه محکومیت اعدامها در ایران و مبارزه برای لغو مجازات اعدام فعالین حزب یک کارزار بزرگ برپا انداختند که جنبه های مختلفی داشت. بسیج مردم از طرق مختلف منجمله گذاشتن نمایشگاه عکس و میزهای اطلاعاتی در مراکز شهرها و خبرسانی به جامعه و جمع آوری امضا و همچنین راه انداختن اعتراض و برگزاری سمینار و بالاخره دیدار با مقامات وزارت امور خارجه دولت سوئد و تقدیم تومار اعتراضی علیه جمهوری اسلامی با چندین هزار امضا به همراه برگزاری یک جلسه بحث در پارلمان سوئد گوشه هایی از این فعالیت گسترده بوده است. یک اعتراض بزرگ توده ای دیگر که رفقای ما بعنوان رهبران محبوب مردم مبتکر آن بودند، اعتراض علیه قتل اکبر محمدی بود که در گوتنبرگ صورت گرفت و حدود هزار نفر را علیه جمهوری اسلامی به حرکت در آورد و به الگویی برای حرکات بعدی ما تبدیل شد. در زمینه دفاع از آزادی بیان و مقابله با تهدیدات اسلامی ها، کادرها و اعضای حزب که در سازمانها و نهادهای متفاوتی فعالیت دارند در سپتامبر ۲۰۰۷ یک سمینار بسیار خوبی را برگزار کردند که بازتاب گسترده ای در مطبوعات و جامعه داشت و ابعاد بین المللی نیز داشت.

انترناسیونال: کنفرانس برای فعالیتهای بعدی روی چه اولویتهایی تاکید گذاشت؟

حسن صالحی: آنچه که کنفرانس بعنوان اولویت های خود بر آن تاکید گذاشت از جمله مبارزه قاطع با سیاست مماشات و سازش دولت سوئد با جمهوری اسلامی است.

دولت سوئد علیرغم اعتراضات گسترده به سازشکاری با رژیم جنایتکار اسلامی ادامه می دهد و همین اواخر بود که رئیس پلیس تهران، کسی که مستقیماً در سرکوب مردم نقش داشته است را به همراه هیئتی به سوئد دعوت کرد. ما می خواهیم جلوی تکرار چنین رویدادهایی را بگیریم و نه فقط این، بلکه جمهوری اسلامی را هر چه بی آبروتر کنیم و دولت سوئد را با دامن زدن به اعتراض گسترده چنان مورد بازخواست قرار دهیم که جرات چنین کارهایی را نکند. کنفرانس به این پرداخت که فعالیت ما باید چنان باشد که حزب در سوئد و همه جا بعنوان نماینده مردم ایران و آلترناتیو آزادی و رفاه برای جامعه ایران، هر چه بیشتر شناخته شود. در زمینه خطر جنگ با توجه به صف بندهای جدید در صحنه سیاسی ایران کنفرانس تاکید داشت که ما باید بتوانیم خط و افق سوسیالیستی را در برخورد به جدال دو قطب تروریستی نمایندگی کنیم، پرچم جبهه سوم را به اهتزاز درآوریم و اجازه ندهیم که گروههایی تحت عنوان خطر جنگ، جمهوری اسلامی را از زیر ضرب اعتراض و مبارزه خارج کنند. کنفرانس با توجه به محبوبیت و نفوذ اجتماعی حزب و وجود کادریهای مجرب بر عضو گیری و گسترش تشکیلاتی حزب در سوئد تاکید ویژه ای کرد و همه واحدهای حزبی را فراخواند که در جهت تحقق این امر دست بکار شوند. کنفرانس بر تبدیل شدن حزب به نماینده مسلم رادیکالیسم، ترقی خواهی، سکولاریسم و انسانیت در مبارزه بر علیه اسلام سیاسی و در ممانعت از دخالت و تعرض مذهب در هر شکلش به موازین سکولار جامعه تاکید کرد. تلاش هدفمند برای بسیج افکار عمومی و جلب حمایت اتحادیه های کارگری، دانشجویی، سازمانهای زنان و مدافع حقوق بشر در سوئد از مبارزات مردم ایران یکی دیگر از اولویتهایی بود که کنفرانس بر آن انگشت گذاشت. کمک موثر به فدراسیون

حزب کمونیست کارگری، ابزار رهایی انسانی در حاشیه مراسم شانزدهمین سالگرد تشکیل حزب در تورنتو



جمشید هادیان

علی العموم در ایران، در عراق، و در سراسر دنیای عرب برای بنا نهادن آینده ای بهتر و تابناک تر است.

در بخش بعدی برنامه جمشید هادیان بخش کوتاهی از سرآغاز سخنرانی منصور حکمت در اکتبر ۱۹۹۹ در استکهلم را برای حضار قرائت کرد. منصور حکمت نیز در این بخش در واقع به پایه عینی و مادی گفته معروف خود "اساس سوسیالیسم انسان است؛ انسان، چه در ظرفیت فردی و چه در ظرفیت اجتماعی" اشاره می کند:

"اینجا می خواهم در مورد چند مسأله کلی تر و شاید ابتدائی تر در مورد خودمان صحبت کنم، و به یک معنی می خواهم اسرار پایه ای حزب را برایتان آشکار کنم؛ به این معنی که این حزب بر سر چیست، و چرا ما فکر می کنیم باید به آن پیوست، و چرا فکر می کنیم از نظر فیزیکی پیوستن به حزب ممکن است، و چرا فکر می کنیم حرف و پیامی که داریم حرف قابل قبول برای انسان های زیادی است. چرا که ما به یک پروژه محکوم به شکستی دل نسته ایم و فکر می کنیم که این کارهایی که میگوئیم عملی است؛ چون قطعاً هر کدام از ما سناریوی بهتری برای زندگیمان گیر می آوریم، و اگر نه اگر قرار بود فکر کنیم این کار خاصیتی ندارد و به نتیجه نمی رسد، هیچکدام از ما زندگی دلچسب و عادی مان نمی توانست این «زندگی» باشد، بلکه این یک حرکت سیاسی است که فکر می کنیم باید به نتیجه برسد، و این که چرا ما فکر می کنیم که کمونیسم می تواند پیروز شود - این بحثی است که من می خواهم امروز راجع به آن با شما صحبت کنم"

صفحه ۱۳

چپ عراق است که آمال و آرزوهای مردم و طبقه کارگر عراق را منعکس میکند. مردم عراق در میان آتشی که از هر سو، از سوی نیروهای اشغالگر دول غربی به سرکردگی آمریکا، از سوی تروریست های اسلامی رنگارنگ و تروریست های ناسیونالیست و قوم پرست، بر سرشان می بارد، هست و نیست خود را از دست داده اند. امروز کشتار و خشونت فرقه ای تا آن حد در عراق شدت گرفته که در مرکز بغداد میان دو محله شیعه نشین و سنی نشین کاظمیه و اعظمیه یک دیوار فیزیکی کشیده شده است. مردم هست و نیست خود را از دست داده اند، اما امید خود به یک زندگی بهتر، به یک دنیای بهتر را از دست نداده اند.

حزب کمونیست کارگری چپ عراق اکنون به بلندگوی قوی نشر کمونیسم کارگری در سراسر جهان عرب نیز تبدیل شده است. بالا رفتن دیوار بربریت مذهبی تنها یک شاخص از وضع زندگی مردم در عراق است، اما گویای تمامی واقعیت زندگی آنها نیست. در قطب مقابل فعالین حزب کمونیست کارگری چپ عراق نیز در شکل دادن به یک زندگی بهتر، برابر و انسانی برای مردم نیز حضور دارند. بعنوان مثال، یک مثال خیلی جدید، به همت همین فعالین چندی پیش کارگران کارخانه سیمان شهر سوامه در جنوب عراق موفق به تاسیس شورای کارگری خود شدند، و دو روز پیش ۱۷ تن از اعضای این شورا به عضویت حزب کمونیست کارگری چپ عراق درآمدند. عصام شکری سخنان خود را با این جمع بندی به پایان برد: سالروز تاسیس حزب کمونیست کارگری ایران شایسته بزرگترین جشن هاست، زیرا این حزب نه تنها در ایران بلکه بعنوان منبع الهام تاسیس و پیشروی حزب کمونیست کارگری چپ عراق - بمنزله پرچمدار راستین کمونیسم کارگری در عراق - در واقع نقطه امید و اتکای طبقه کارگر و مردم

جهانی علیه اعدام و سنگسار و در دفاع جهانی از محکومین به اعدام و سنگسار، در افشای مذهب و عقب راندن آن از صحنه اجتماع و سیاست عملاً نقش ایفا کرده است. دفاع از انسانیت، انسانیت جهانشمول انسان، کارنامه این حزب را می سازد. این حزب را می توان انسانیت تحزب یافته نامید. به یمن همین کارنامه است که به همت دانشجویان دانشگاه اصفهان چندی پیش شعار "آزادی، برابری، هویت انسانی" در فضای مبارزات رادیکال ایران طنینین انداز شد. جامعه ایران بیش از هر چیز آستن یک انقلاب سوسیالیستی، یک انقلاب فراگیر و همگانی برای بکری نشاندن انسانیت است، زیرا تشنه آزادی و انسانیت است. حزب ما با پرچم "مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی" جلودار صف مبارزه برای این انقلاب بوده و هست. سالروز تاسیس چنین حزبی برآستی a جشن های بزرگ است. فرارسیدن این روز را به همه تبریک می گویم.

سخنران بعدی مراسم عصام شکری بود. لیبر حزب کمونیست کارگری چپ عراق سخنان خود را با تبریک سالروز تاسیس حزب کمونیست کارگری ایران آغاز کرد. او در سخنان خود از جمله گفت: تاسیس حزب کمونیست کارگری در ایران، به همت و درایت منصور حکمت، به تاسیس حزب کمونیست کارگری عراق انجامید، و این حزب بزودی به امید طبقه کارگر و مردم علی العموم در عراق بدل شد. با انشعابی که سه سال پیش و در پی بلند شدن علم فرمیزم و راست روی در حزب خواهر ایرانی ما اتفاق افتاد، حزب ما نیز دچار انشعاب شد. اما در این دوره نیز به همت و درایت حمید تقوایی و سایر رهبران حزب کمونیست کارگری ایران مثل فاتح بهرامی، پرچم کمونیسم کارگری در عراق بر زمین نماند، و اکنون این حزب ما، حزب کمونیست کارگری

از موقعیت تعیین کننده، حیاتی و منحصر بفردی در این دفاع، در این مبارزه جهانی و جهانشمول علیه مفاهیم "نسبی" از انسانیت، برخوردار شده است. بورژوازی جهانی از اواخر دهه هفتاد قرن گذشته تا کنون می کوشد بضرر تئوری های رنگ و وارنگ "نسبیت فرهنگی" انسان و انسانیت را شقه شقه کند، و هر شقه را "به نسبت درجه فرهنگ خود آن" لایق آزادی و رفاه و تمدن و امکان بروز خلاقیت و غیره بداند. این در واقع چیزی جز فاشیسم نیست. بدست دادن تعریف نسبی از حقوق انسان و خوشبختی انسان، و رها کردن قلاوه مذهب و قوم گرایی و میدان دادن به سیاست های مبتنی بر این دو، اجزای تکمیلی سیاست دوران کنونی در حیات سرمایه داری هستند - دورانی که در آن دیگر دور افتاده ترین نقاط کره زمین نیز زیر نگین انگشتی سرمایه قرار گرفته، نکبت و ذلت و جهل نیز به تبع آن و به همان درجه جهانی شده، و بورژوازی ناگزیر باید این روزگار سیاه میلیاردها مردم در سراسر جهان را با "فرهنگ خودشان" توضیح دهد، یا بهتر بگوئیم، توجیه کند. اما، جامعه ایران و حزب کمونیست کارگری ایران دست در دست یکدیگر در بحبوحه این تلاش مافوق ارتجاعی بورژوازی سنگر مبارزه علیه این نسبیت، علیه این بربریت، علیه این فاشیسم جدید، بوده اند و هستند. پلانکار "سوسیالیسم یا بربریت" که دو سال پیش در دانشگاه های ایران بلند شد طنینین گویای همین واقعیت از اعماق صفوف پیشرو جامعه ایرن بود. حزب کمونیست کارگری ایران تنها حزبی در تاریخ ایران است که بدون در دست داشتن قدرت تا همین جا در بهبود زندگی انسان ها، در دفاع از انسانیت در برابر موج یورش این ارتجاع، عملاً نقش ایفا کرده است. در دفاع عملی از زن و کودک و کارگر و دانشجو و زندانی سیاسی، در مبارزه

روز شنبه ۱۰ دسامبر ۲۰۰۷، ۱۰ آذر ۱۳۸۶، مراسمی به مناسبت شانزدهمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست کارگری ایران در تورنتو، کانادا برگزار گردید. در این مراسم ابتدا فیلمی که از فعالیت های حزب در کشورهای مختلف تهیه شده و در کنگره ششم حزب در بهار امسال به نمایش درآمده بود مجدداً به نمایش گذاشته شد. سپس جمشید هادیان، مجری برنامه، مراسم را با ترجمه خود از اصل سرود انترناسیونال سروده اوژن پوتیه، آغاز کرد. (این ترجمه را می توانید در شماره ۱۸۹ انترناسیونال بخوانید). پس از آن سرود انترناسیونال با صدای فریدون فرهی پخش شد، که با همراهی و همخوانی حضار شور مضاعفی بپا کرد. سپس به یاد جانباختگان سوسیالیسم، به یاد منصور حکمت عزیز، و به یاد ۱۴ زنی که در ۶ دسامبر ۱۹۸۹ در مقابل پلی تکنیک مونتال در استان کبک کانادا بدست یک جانی دیوانه ضد زن کشتار شدند، یک دقیقه سکوت اعلام شد.

بخش دوم برنامه شامل سخنرانی های حمید تقوایی لیبر حزب کمونیست کارگری ایران و عصام شکری لیبر حزب کمونیست کارگری چپ عراق بود.

حمید تقوایی در سخنان خود به تحلیل شرایط ویژه ایران پرداخت، و بر نقش پیشرو جنبش کمونیسم کارگری در جنبش انقلابی بالنده ای که می رود تا بساط جمهوری اسلامی را بربریت کل سرمایه در ایران را براندازد، اشاره کرد. او اعتراض اوج گیرنده سوسیالیستی به وضع موجود در ایران را دفاع واقعی از انسانیت، انسانیت مطلق و جهانشمول، در عصر حاضر خواند، و نشان داد که چگونه جامعه ایران بنا به عوامل خاص سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که در سیر مبارزات صد ساله اخیرش برای رسیدن به یک زندگی انسانی شکل گرفته، در لحظه کنونی

از صفحه ۱۱ گفتگو با حسن صالحی ...

گذاشت و بر اتحاد و انسجام و همگامی در مبارزه عملی برای تخق اولویت های یاد شده بعنوان یک پیش شرط مهم انگشت گذاشت. *

این حالت برزخ نجات دهیم. کنفرانس در عین حال بر آمارکسیسم و آشنایی و تسلط بیشتر اعضای حزب بر مبانی کمونیسم کارگری تاکید

سیاست ضد پناهدگی اش به عقب نشینی وادار کند. در قدم اول ما باید بکوشیم که پناهندگانی را که بطور طولانی و بدون اجازه اقامت در سوئد بسر برده اند، از

که بدان اشاره شد. کمک به سازمان دادن اعتراضاتی که بتواند دولت سوئد را در تداوم

سراسری پناهندگان ایران در سوئد و تقویت جنبش دفاع از حقوق پناهدگی اولویت دیگری بود

از صفحه ۱۲ حزب کمونیست کارگری، ابزار ...

"چرا کمونیسم می تواند پیروز شود؟ اگر کسی به من نشان بدهد که کمونیسم نمی تواند پیروز شود ما دیوانه نیستیم این کار را نکنیم. ما قصد جا گذاشتن کتیبه‌هایی در خاک جهان که بعداً آیندگان آن را کشف کنند و به سطح فکر و انساندوستی ما احسنت بفرستند را نداریم. ما می خواهیم اتفاقاتی در زمان حیات خودمان برای مردم عادی معاصر خودمان بیفتد و فکر می کنیم این کار جوابگوست و فکر می کنیم این راه آن است، و اگر معلوم باشد جوابگو نیست، خوب ما طبعاً این کار را نمی کنیم. منتها من می خواهم به شما بگویم چرا ما به این که این کار عملی است خوش بین هستیم. چرا کمونیسم ممکن است؟ چرا کمونیسم می تواند پیروز شود؟ و چرا ما شانس داریم؟"

"من فکر می کنم ما شانس داریم برای اینکه اکثریت عظیم مردم در جهان کمونیست هستند و خودشان نمی دانند! من فکر می کنم زیپ پست هر انسان منصفی را باز کنید یک کمونیست بلشویک را می بینید که می خواهد از آن بیرون بیاید. در وجود تک تک ما سوسیالیست های پرحرارتی نهفته است که می خواهد از این قالب بیرون بزند. از قالب هایی که هیچکدام از آنها از بدو تولد همراه ما نبوده‌اند. قالب نژادی، قالب مذهبی، قالب ملی، قالب قومی، قالب سنی، قالب تعریف شده جنسیتی، هیچکدام

با سلامهای گرم و صمیمانه

ابزار مهم رسانه ای که صدای جنبش کمونیسم کارگری و انسانیت متمدن می باشد، با روش موثر تری یاری رسانیم. و برای این مهم تصمیم گرفتیم بطور ماهانه مبلغ چهارصد هزار تومان ثابت و این ماه پانصد هزار تومان به عنوان اسپانسر مالی تلویزیون در این تلاش مشارکت داشته باشیم.

حوزه انترناسیونال

تقوایی خطاب به آنان گفت: همانطور که در پوستر اعلام برگزاری جشن سالگرد تاسیس حزب دیده اید، منصور حکمت گفته است "بحث رابطه بین حزب و جامعه بحثی بر سر شکستن قالب حاشیه ای کمونیسم و حضور آن در متن و در مرکز دنیای سیاست است؛ چون در اینجاست که می توان بر زندگی مردم تاثیر گذاشت". این در سال ۱۹۹۸ است. و حمید تقوایی در سال ۲۰۰۵ گفته است "ما حزب منشأ اثریم. ما تنها حزب اپوزیسیون در تاریخ ایرانیم که تا همین جا و بدون در دست داشتن قدرت در بهبود زندگی انسانها عملاً نقش ایفا کرده ایم". در این میان، چنان که می بینید، هفت سال فاصله هست. منصور حکمت در آن زمان پرچم حزب منشأ اثر شدن را با بحث "حزب تقوایی دو سال پیش اعلام کرده است که ما "حزب منشأ اثر" شده ایم. واضح است که پیمودن این راه هفت ساله، این واقعیت عینی بخشیدن به یک هدف، طبعاً به امکانات مادی نیاز داشته است، و فعالین حزب در این سال ها نیز مانند سال های قبل و بعد از آن از هست و نیست خود مایه گذاشته‌اند. اما این وضع، طبعاً، قابل ادامه نیست. همانطور که مارکس در صفحه ۱۶۴ کاپیتال می گوید، "پول... همچون یک مساوات طلب افراطی هر گونه تمایزی را از میان بر می دارد"، به این معنا که حتی قادر است هر چیز و هر کس را درست به عکس خود تبدیل کند! مارکس سپس قول شکسپیر را نقل می کند (ص ۱۶۴) که چگونه

مشتی از این پول، مشتی از این "طلای پریهای زرد رخشان، سیاه را سپید، زشت را زیبا، خطا را صواب، پست را والا، پیر را برنا، بزدل را دلاور می سازد... دزد را نام و عزت و جاه می بخشد و در جوار نجبا بر کرسی وکالت می نشاند... برو ای خاک دوزخی، دور شو ای هرزه هرجائی!". ملاحظه می کنید که شکسپیر هم مثل ما با این "هرزه هرجائی" میانه خوبی ندارد و می خواهد که این "خاک دوزخی" شرش را از سر انسان ها کم کند! اما در عین حال تصدیق می کند که بدون وجود آن هم هرگز قادر به برانداختن خود آن نخواهیم بود! بنابراین لطفاً کمک مالی به حزب کمونیست کارگری ایران را وسیله ای برای برانداختن حاکمیت پول بر زندگی انسان ها بحساب بیاورید، و در این راه هر چه سخاوتمندتر پول خرج کنید! مهمانان نیز در واکنش به این فراخوان مقدار قابل توجهی کمک مالی به صندوق حزب ریختند. از لحاظ مالی، این مراسم کلاً از محل دریافت ورودی و کمک مالی مهمانان، مخارج خود را تامین کرد و توانست وجوه قابل ملاحظه ای نیز برای فعالیت های بعدی در اختیار حزب قرار دهد.

بخش پایانی برنامه موزیک و رقص و پایکوبی بود که تا دقایقی مانده به نیمه شب ادامه داشت. گروهی از دست اندرکاران برنامه تا ساعت چهار صبح در منزل یکی از دوستان شب نشینی و عیش و نوش را ادامه دادند. جای همگی آنها که با ما هستند و آنجا نبودند، بدون تعارف، خالی بود!*

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزنه: www.rowzane.com
 نشریه انترناسیونال: www.INTERNASIONAL.COM
 سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیس:

Account nr. 45477981
 Sort code: 60-24-23
 Account holder: WPI
 Branch: wood green
 Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 60-3-60 639 60
 صاحب حساب IKK

آلمان:

Rosa Mai
 Konto. Nr.: 583657502
 Bankleitzahl: 37010050
 Post Bank

اگر از ایران ارسال میکنید میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن

۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم. تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود

یک دنیای بهتر

برنامه حزب

را بخوانید

و در سطح وسیع

توزیع کنید

در حاشیه چند رویداد

گزارش اخیر سازمانهای اطلاعاتی آمریکا و موقعیت اپوزیسیون

گزارش اخیر سازمانهای اطلاعاتی آمریکا مبنی بر اینکه حکومت اسلامی از سال ۲۰۰۳ برنامه های هسته اش را متوقف کرده است، از دو جنبه قابل توجه است. اول، رابطه جمهوری اسلامی و آمریکا و دوم، موقعیت اپوزیسیون طرفدار رژیم در ایران.

مستقل از درجه صحت و سقم واقعی این اطلاعات، تا آنجا که به رابطه آمریکا و جمهوری اسلامی مربوط است اینجا اتفاق مهم و یا بهتر است بگویم اتفاق تازه ای رخ نداده است. این فقط یک نقطه در امتداد یک خط شناخته شده میان این دو طرف، عشق و نفرت و هویج و چماق و سازش و تهدید است که مدتهاست ادامه دارد و اساس آن تلاش برای تعیین نقطه تعادل و توازن میان این دو قطب تروریستی است. تهدید و رجزخوانی هر دو طرف اساسا برای ظاهر شدن از موضع قدرت در مذاکره و مماشات و امتیاز بیشتر گرفتن از طرف مقابل است. این روند افت و خیز دار تا لحظه رسیدن به نقطه تعادل راضی کننده برای هر دو طرف ادامه خواهد داشت و البته ممکن است حمله نظامی موضعی آمریکا یک لحظه از این افت و خیزها باشد.

در این میان، موقعیت اپوزیسیون طرفدار رژیم در ایران تماشاچه است. آنها که همه تخم مرغهایشان را در سبد شکاف جناحها ریخته بودند امروز باید چه خاکی بر سرشان بریزند؟ بازماندگان شکست خورده دوم خرداد در "شورای ملی صلح" و "کمیته انتخابات آزاد" که روی اختلاف میان "جناح جنگ طلب و جناح صلح طلب" در حکومت اسلامی سرمایه گذاری کرده بودند الان چه حال و روزی دارند؟ آنها که به نام جنگ طلبی احمدی نژاد از بیت رفسنجانی سر در آورده بودند چه وضعیتی دارند؟ و به طور کلی آنها که به نام مخالفت با جنگ و جناح جنگ طلب، و به نام دفاع از صلح و دموکراسی و حقوق بشر در واقع صلح با جناحی از حکومت را تبلیغ میکردند در چه حالی هستند؟ و آنهاهی که به نام خطر جنگ، دکانی به نام "تعامل" با جمهوری اسلامی و اقتناع جمهوری اسلامی برای در پیش گرفتن رفتار عاقلانه و اجتناب از جنگ باز کرده

بودند چه کاری با این دکانشان خواهند کرد؟

در میان بخشهای دیگر اپوزیسیون، آنهاهی که با برجسته کردن خطر جنگ و سناریوی سیاه و از هم پاشیدن جامعه مدنی و جنگ داخلی و غیره، یک دفعه از این همه اعتراض مردم و تحرك سرنگونی طلبانه قلم گرفته بودند و آیه یاس و نومیدی و بدبختی میخواندند و نتیجه عملی سیاستشان چیزی جز راضی کردن مردم به تب (تمکین به وضع موجود) در مقابل مرگ (خطر جنگ و سناریوی سیاه) نبود چه حال و روزی دارند؟

اما این اپوزیسیون هر وضعی داشته باشد، تحرك رادیکال دانشجویان در ۱۳ آذر همین هفته نشان داد که مردم دارند کار خودشان را پیش میبرند. مردم از ورای رجزخوانیها و سازشهای دو قطب تروریستی، از ورای تحرك مستاصلاسه شکست خوردگان دوم خرداد، از ورای پیمایش یاس و ناامیدی توسط گروههایی که چشم در چشم تحرك رادیکال مردم میدوزند و هنوز میگویند راست دست بالا دارد، کار خودشان را پیش میبرند.

محمد اسلام و خرس کودکان!

در کلاسی در کشور سودان، نام دانش آموزی به نام محمد روی خرس سبب بازی کودکان گذاشته شد. جیلان، معلم این کلاس دستگیر شد. او با ش کزایه ای اسلامی در سودان دهن کف کرده به خیابان ریختند و خواستار اعدام جیلان شدند که در کلاش، یک خرس اسباب بازی را محمد صدا کرده اند. این او با ش سازمانیافته گفتند به حضرت محمد اهانت شده است. دو عضو "مسلمان" مجلس لردهای انگلستان به خارطوم شتافتند و با عمر البشیر، پدرخوانده مافیای اسلامی در سودان دیدار کردند. عمر البشیر، رئیس جمهور اسلامی سودان، جیلان را عفو کرد. جیلان به آغوش خانواده اش باز گشت. وزیر خارجه انگلستان اعلام کرد که دولت متبوعه اش تماما به اسلام احترام میگذارد.

۱- فرض من بر این است که گذاشتن اسم یک دانش آموز روی یک اسباب بازی از نظر جیلان یک اتفاق عادی است. با این فرض، اینجا اگر حرمتی زیر پا گذاشته است و به کسی و چیزی به طور واقعی اهانت شده است،

محسن ابراهیمی

این نه محمد پیامبر اسلام و اجیرشدگان حکومت اسلامی سودان بلکه این خرس اسباب بازی کودکان است که حرمتشان لکه دار شده است. خرس اسباب بازی یکی از محبوب ترین اسباب بازیهای کودکان در سراسر جهان است. در حالیکه محمد، بنا بر اطلاعات خود کودک آن آزار تمام عیار بود. کودکان، خرس اسباب بازی را کنار بالش تختشان میگذارند و با رویایش به خواب میروند. این اسباب بازیها شایسته بهترین اسمها هستند. نامگنری محمد پیامبر اسلام به این اسباب بازی دوست داشتنی، یک اهانت آشکار هم به کودکان و هم به این اسباب بازی محبوب کودکان است. نام محمد، یک شخصیت پلوفایل، یک شخصیت کودک آزار، یک شخصیت تجاوزگر به کودکان، یک شخصیتی که کودک ۹ ساله ای به نام عایشه را روزی دوشش میگرد و شب تجاوزش میکرد، شایسته اسباب بازی محبوب کودکان نیست.

۲- اظهارات وزیر خارجه انگلستان اصلا مایه تعجب نیست. ایشان وزیر خارجه دولتی است که زیر بال و پرش، مرتجعین اسلامی در خیابانهای لندن نماز جمعه برگزار میکنند و علنا فرمان قتل مرتضیان از اسلام و سکولارها و هنرمندان آته نیست را صادر میکنند. ایشان وزیر خارجه دولتی است که در کشور متبوعه اش، اسلامیها به نام ناموس اسلامی آدم میکشند و در خیابانهایش ول میچرخند. ایشان وزیر خارجه دولتی است که کمک کردند خبثی مرتجع بر سر مردم ایران حاکم شود.

۳- نه برای عمر البشیر و نه برای وزیر خارجه انگلستان موضوع واقعی بی احترامی به پیغمبر اسلام نیست. هر دو دارند پروژه سیاسی خودشان را پیش میبرند. برای عمرالبشیر، ماجرای خرس و محمد ابزار قدرت نمایی اسلام سیاسی است و برای وزیر خارجه انگلستان، ماجرای خرس و محمد ابزار مماشات با اسلام سیاسی است. این مظلوم نمایی اسلامی از طرف حکومت اسلامی سودان و ریاکاری از طرف حکومت انگلستان، یک هدف مشترک را تعقیب میکند. این مماشات متقابل و نان قرض دادنها فقط گوشه کوچکی از یک صحنه سیاسی وسیعتر است: صحنه ای که در آن دو قطب "غرب" و "شرق"، سردمداران نظم نوین جهانی در غرب و سردمداران



اسلام سیاسی در شرق دارند نقطه تعادل سیاسی شان را تعریف میکنند. محمد و خرس ابزار تعیین تکلیف سیاسی، ابزار تعیین جایگاه و سهم دو طرف در موازنه سیاسی جهان معاصر است. این ادامه رجزخوانی و مماشات و سازش و توافق و معامله دو طرف است که مدتهاست شروع شده است و همچنان ادامه دارد. سالها پیش آیه های شیطانی سلمان رشدی، ملتی پیش فیلم تنو ونگوگ در هلند، پرپرور کاریکاتورهای محمد توسط یک کاریکاتورست هلندی، و امروز محمد و خرس، همه ابزار یک هدف است: تعیین و تثبیت موازنه قدرت سیاسی میان دو قطب ارتجاع جهانی. دارند به نام مقدسات و توهین به مقدسات، به رابطه سیاسی نامقدس و جایگاه خود در توازن سیاسی جهان شکل میدهند.

عهدنامه

مشروطه - ملی - اسلامی!

حزب مشروطه ایران، (حزب سلطنت طلب صریح دیروز و جمهوریخواه خجول امروز) اعلامیه داد و اعلام کرد که پشت "شورای ملی صلح" و "کمیته دفاع از انتخابات آزاد" ملی اسلامیها خواهد بود. "شورای ملی صلح" مرکز تجمع بازمانده های طیف ملی اسلامیهایی است که یکبار در زمان "صلح" زیر عبای خاتمی جمع شدند تا لاشخور اسلامی را رنگ کنند و به مردم ایران و جهان حقنه کنند و جنگ آشکار و با "آشتی ملی" خاتمه دهند و البته مفتضحانه شکست خورند. و امروز مجددا این بار به نام خطر جنگ و در زمان "جنگ" مجددا دور هم جمع شده اند تا مردم را این بار زیر عبای رفسنجانی به "آشتی ملی" با حکومت اسلامی بکشاند. تا همینجا البته جای هیچ تعجبی نیست. رهبر این جریان، داریوش همایون، همین چندی پیش رسما و علنا اعلام کرده بود که اگر آمریکا به ایران حمله کند پشت جمهوری اسلامی خواهد ایستاد! البته در این هم جای تعجبی نیست. اینها بخشهای مختلف ملی و اسلامی یک جنبش هم طبقه و



هم مسلک و هم خانواده ملی - اسلامی هستند که در صد سال گذشته به نمایندگی از طرف طبقه حاکم سرمایه داری حکومت کرده اند. دیروز شعبه ناسیونالیستی اش در حکومت بود و شعبه اسلامی در اپوزیسیون و امروز شعبه اسلامی اش در قدرت است و شعبه ناسیونالیستی اش در اپوزیسیون. دوری اینها قابل تحلیل است و نزدیکی اینها طبیعی. اینها دو رگه و دو زبان یک جنبش هستند: جنبش ملی اسلامی طبقه حاکم سرمایه داری.

در این اطلاعات، حزب مشروطه اظهار شغف و شادی و هیجان کرده و از خود بیخود شده است که "کمیته دفاع از انتخابات آزاد"، "برای اولین بار از مرز خودی و غیر خودی گذشته اند و همه افراد و گرایشهای سیاسی را دارای حق شرکت در انتخابات شمرده اند." اما واقعیت چیست؟ اتفاق جدیدی نیافتاده است. از هیچ مرزی عبور نشده است. مرز میان خودیها و غیر خودیها از طرف ملی اسلامی ها به هم نخورده است. غیر خودیها همین سه روز پیش در روز ۱۳ آذر به مصاف جمهوری اسلامی رفتند و جمهوری اسلامی هنوز هم به دستگیری این غیر خودیها ادامه میدهد. منظور حزب مشروطه از غیر خودیها، خود این جماعت مرتجع سلطنت طلب است که با شکست انقلاب ۵۷، حکومتشان از دست آنها گرفته شد و بدست جنبش اسلامی هم طبقه خودشان افتاد. امروز این دو جنبش هم طبقه، این دو نیروی خودی به نام خطر جنگ مجددا در کنار هم قرار گرفته اند. در واقع آنهاهی که در جریان انقلاب ۵۷ از هم دور شده بودند مجددا با طلیعه یک انقلاب چپ و سوسیالیستی مجددا به هم رسیده اند. آن دو جریان و دو جنبش هم طبقه که در جریان انقلاب ۵۷ جای همدیگر را گرفته بودند تا آن انقلاب را به شکست بکشاند امروز مجددا در مقابل شیخ یک انقلاب زیر و رو کنند، انقلابی که به حیات سیاسی هردو میتواند نقطه پایانی بگذارد، مجددا در کنار هم قرار گرفته اند. *